

## یادداشتی بر «فریاد خلق خاموش شدنی نیست»

این جزوه را برخی از مجاهدین که بر سر تغییر مواضع ایدئولوژیک با مرکزیت سازمان اختلاف داشتند در فروردین ۱۳۵۵ منتشر کرده اند. این تنها سندی است که از آن مجاهدان در دست داریم. تا آنجا که می دانیم مجاهدین شهید:

سرور آلاپوش،  
مجتبی آلاپوش،  
حسن ابراری،  
محمد اکبری آهنگران  
و فرهاد صفا

از این جمع بوده اند. در سال ۵۴ پس از انتشار کتاب «بیانیه اعلام مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران» از سوی بخش منشعب، برخی از مجاهدینی که این اقدام را تأیید نمی کردند جمعی تشکیل دادند که با سازمان نیز در ارتباط بودند و رابط آنها حسن آلاپوش بود (که همراه با همسرش محبوبه متحیدین به بخش منشعب پیوسته بودند. شرح حال هر دو رفیق در کتاب شهدای پیکار خواهد آمد). این ارتباط و همکاری بین سازمان و آنها در چارچوب جبران خطاهایی صورت گرفت که قبلاً در برخورد به برادران مخالف تغییر ایدئولوژی صورت گرفته بود: اقدام به تصفیه فیزیکی شهدا مجید شریف واقفی و صمدیه لباف. هدف از همکاری امکان تشکیل جبهه ای از نیروهای مارکسیست و مذهبی نیز بود. اندیشه ایجاد جبهه مجاهدین در سازمان از سالهای آخر دهه ۴۰ شمسی و نیز در سال ۱۳۵۱ (زمانی که رضا رضائی مسئولیت سازمان را بر عهده داشت و مصطفی شجاعیان در تلاش وحدت آمیز بین مجاهدین و سازمان چریکهای فدایی می کوشید) سابقه داشت. همین ایده است که در سال ۵۴ و ۵۵ به پیشنهاد وحدت بین سازمان مجاهدین و سازمان چریک های فدائی خلق ایران و بحث درباره آن انجامید و به دلایل متعدد فرجام نیافت (اسنادی از این مباحث در آرشیو پیکار موجود است که به تدریج روی سایت خواهد رفت).

شبکه ای که ساواک توسط سیروس نهاوندی گسترده بود و مبارزان بسیاری (از جمله پرویز واعظ زاده و رفقاییش) را در سال ۵۵ به دام انداخت به این برادران مجاهد که در چارچوب ایدئولوژیک قبلی فعالیت می کردند نیز ضربه زد. بخش منشعب این شبکه را که ظاهراً به سازمان انقلابی حزب توده وابسته بود صریحاً افشا کرد (اعلامیه در آرشیو موجود است).

از سوی دیگر، گویا مجاهد شهید علی اکبر نبوی نوری نیز از افرادی بوده که موضع گیری اش با مجاهدین مذهبی نزدیک بوده است. او یک بار در سال ۱۳۵۰ یا ۵۱ دستگیر شد و چون پدرش رئیس فرهنگ [آموزش و پرورش] استان تهران بود و اعمال نفوذ کرد، او را آزاد کردند ولی او در سازمان مجاهدین به مبارزه اش ادامه داد. وی شوهر و هم‌رزم اشرف ربیعی بود که بعدها در سال ۵۸ با مسعود رجوی ازدواج کرد. نبوی نوری و اشرف ربیعی پایگاهی مخفی در قزوین داشتند و گویا هنگام درست کردن بمب، انفجاری پیش می آید و دستگیر می شوند. نبوی نوری اعدام شد ولی اشرف تا زمان قیام ۱۳۵۷ در زندان ماند. اطلاع ما در باره این مجاهدین متأسفانه کافی و دقیق نیست.

باری در سند زیر، سطح آگاهی و نوع برخورد نویسنده یا نویسندگان جزوه به مسائل سیاسی و اجتماعی، به ویژه برخورد خردمندانه شان به تغییر ایدئولوژی سازمان و نیز برخورد هشیارانه شان به شکل گیری چند گروه مذهبی که بعدها در سال ۵۷ خود را «مجاهدین انقلاب اسلامی» نامیدند و از دست اندرکاران رژیم بوده و هستند، بسیار قابل توجه است.

شهریور ۱۳۸۸، تراب حق شناس

# فریاد خلق خاموش شدنی نیست

نسیگامی پسه رقتسا یسح سمال

۱۳۵۴

فهرست جزوه

- ۱- مقدمه
- ۲- تحلیلی از انفجار حزب رستاخیز تبریز
- ۳- خیرهای از جنبش مسلحانه
- ۴- خیرهای درباره پلیس سیاسی
- ۵- خیرهای از ارتش و نیروهای نظامی
- ۶- خیرهای از جوامع روشنفکری
- ۷- خیرهای از روحانیت مبارز
- ۸- خیرهای از جامعه و جامعه گردی

"كُلُّ مَنْ طَلَبَهَا فَانَ"

سخنی کسوت است

هدف از انتشار این جزوه سه اعلام مرجع دیتست سه ایجاد گروهی جدید ، گوا اینکه تنها در یک رابطه نزدیک بین افرادی ، امکان چنین مساله ای پیش میاید لیکن در شرایط فعلی و بعضی تشتها و تضادها که درون جنبش ایجاد گردیده موضع گیری در **تقابل** آن خود امر مشکلی میباشد. تا علاوه بر اینکه موضعی فرصت طلبانه تلقی نگردد ، به جهت دادن هر چه بیشتر جامعه پسری یک حرکت صحیح بیانجا - بد . لذا در شرایط بعد از مهر ماه پس از انتشار بیانیه مجاهدین که شرایطی حساس ایجاد گردیده بود ( به متن جزوه مربوطه طبعه اعلام تشکیل جنبش گره تحت عنوان مذهب که غرض موضعی فرصت طلبانه در آن هنگام برد مراجعه شود ) در اعلامیه ای که برای انفجار " حزب رستاخیز تبریز " داده شد محور اصلی را این تشکیل میداد که:

**علاوه بر عدم اتخاذ موضعی چنین فرصت طلبانه تنها به تحلیلی از شرایط خاص و نقش رستاخیز اشاره گردد و تکیه بر اینکه مادر حقیقت جزوه کوچکی از جریان ضد**

امپریالیستی جامعه ایران هستیم با امکاناتی بسیار محدود و تنها فریادی به نشانه خاموش شدن آتش انقلاب خونین خلق .

هدفی که در انتشار این جزوه دنبال میکردیم جهت نشان دادن نمودیست که هر گروه کوچک دویا سسه نفری حدودا قادر است به آن مبادرت ورزد و با بردن دست آورد های جنبش به درون جامعه به از میان بر- داشتن این فاصله شدید بین خلق و پیشاهنگ کمک کند .

و خاصا در شرایطی اینچنین هرگز نباید بنیروهای خویش کم بها دهیم و انرژیهایمان را با ناچیز شمردن آنها بیهوده تلف کنیم . باید دست یسناخت شرایط خود زده و با ارزیابی صحیح ، نوع خدمتی که میتوا- نیم به جنبش بکنیم یعنی عمل مناسب خود را تعیین کنیم به ایجاد ارتباط درون خلق یاری کنیم . فاصله ای که تا کنون گروههای اصلی جنبش تنها به هر کردن آن مبادرت و توجه ننموده اند بلکه عملا با اتخاذ روش درون گرائی بسیار شدید که پیش گرفته اند تنها سه مسائل درونی پرداخته و با آموزش سیاسی خلق و مبارز-

ین پراکنده دیگری که اساس هر اتحادی است مبادرت نرزیده اند هماغه نگرند درون گرائی که پهر از گذشت ۱/۵ تا ۲ سال از شروع مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان مجاهدین و پس از نطخ شدن رژیم از آن و ایجاد زرمه های شدید در جامعه در مهر ماه ۵۴ اعلام میگردد . و این تا جایی بود که بسیاری نگر میکردند برداشتن آیه قران اشتباه چایی بوده و حتی عده ای تصور میکردند ممکن است در درون سازمان کرد تائی بوجود پیرسته باشد . ( که این خود امری غیر ممکن است و باز هم اختلاف بین دید سیاسی و سازما- نی شدید بین جامعه و پیشاهنگ را میسرساند که امکان

کودتا را مطرح میسازد ) و پس از انتشار بیانیه نسیز کوچکترین صدائی بجز در موارد شهید شدن یسک انقلابی یا اعزام ( آنهم در ریزنامه ها ) بگوش نمیرسد . البته با کمبود امکانات در شرایط فعلی این امری طبیعی میباشد که فرضا امکان رابطه گیری با افراد مستحسد از جانب سازمانها و گروهها مشکل باشد لیکن امکان ارتباط گیری عام ( مانند انفجار مفرگارد دانشگاه صنعتی و جهت گیری بیانیه آن ) و کنترل این رابطه محدودا بطرق خاص چیزی غیر ممکن نیست .

بسیار بجاست کسانی که خود بیشتر در مسائل دغا- لت دارند با روشن نمودن واقعیات و ایجاد روابط عام و خارج شدن از لاک درون گرائی خویش بیشتر به مساله توجه نمایند . آیا نباید حرکات درون یسک سازمان یازتایی مشخص در بیرون داشته باشد ؟ پس چرا عملا چنین نیست . ؟ آیا خلق ایران صلاحیت شنیدن آنرا ندارد ؟ که با بد پس از گذشت دو سال بطور خیلی ناقص مسئله را بشنوند .

البته نه موضع صحبت کردن از جانب خلق است و نه از جانب رهبری جنبش . تنها در حدود امکانات بسیار محدود خویش وظیفه داریم در این مبارزه

نقش داشته باشیم .

بنا بر این هدف اصلی جزوه را آموزش بودن چه از نظر سیاسی و چه مسائل دیگر قرار داده و سعی شده تنها جهت همسانی برای ادامه کار کنسانیسکه تنها با امکانات محدود خویش دست بجایز زده اند قرار داده شود .

همانطور که در مورد پخش دست آورد های جنبش دیده شده که فقط در محدوده ای از روشنفکران ا جزوات و دست آورد ها پخش گردیده یعنی مسئله پخش جزوات خود مسئله بسیار مهمی است و هر کس حداقل با شرکت در امر توزیع دست آورد های جنبش و جزوات میتواند خدمت بزرگی به جنبش بنیایر

سلسل سیاسیستی انفجار  
" همزب رستخیز  
" تبریز "

تحلیل زیر خلاصه ای از تحلیلی است که اساسه سیاسی نظامی انفجار حزب رستاخیز را در ۲۶/۷/۵۴ تشکیل میداد .

اگر چه جنبه نظامی مسئله خود در تقایسه با پاره ای از عملیاتی که تا کنون جنبش مسلحانه خلق انجام داده کمتر بچشم میخورد لیکن از نظر سیاسی ، که همیشه جنبه غالبیت بر نظامی دارد ( خصوصا در مرحله فعلی ) بسیار قابل تعمق و توجه میباشد و این در زمانی است که ضرورت کار سیاسی روی

جامعه ، جهت از میان برداشتن فاصله بین خلق و جنبش مسلحانه هر چه بیشتر بچشم میخورد ، که سعی میشود در حدود امکانات و واقعیات به از میان برداشتن این فاصله کمک کنیم ( هدفی که در انتشار این جزوه میباشد ) امید است که در آینده تحلیل کاملتری در این زمینه منتشر گردد تا به توضیح هر چه دقیقتر و همه جانبه تر مسئله رستاخیز پرداخته شود که خود مستلزم تحلیلی کلی از شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و نقش امپریالیستی آن در منطقه است . و از طرف دیگر به بالا بردن آگاهی سیاسی نیروهای مبارز که لازم اتخاذ هر تصمیم صحیحی میباشد کمک خواهد کرد

بحث زیر نشان دهنده اینست که ما در حقیقت سلاح خلق را اینبار متوجه قلب نیروهای رژیم نمودیم تا وظیفه خود را در جهت گیری صحیح تر نیروهای خلق ایران علیه امپریالیسم تا حدودی انجام دهیم .

در رابطه با مسائل فوق مناسب تر است انتقادی از بعضی عملیات نظیر ترور سرهنگان آمریکائی انجام شود محدودا یکسال پیش از ترورهای که انجام گرفت یعنی در فروردین ۵۳ انفجار مفرگارد دانشگاه صنعتی هزمان با آن انتشار بیانیه ای در این مورد کسه جهت هائی واقع بینانه و متناسب با ضروریات فعالیت جنبش را در اختیار قشر روشنفکر ( که از نظر موضع در جنبش مسلحانه باید گننا کنون سترین فقرات جنبش را از جنبه تامین کادری آن تشکیل داده است قرار میداند و آینده امیدوار کننده ای را در جهت

پیوند صحیح و مستقیم تر جنبشها مردم و برداشتن این فاصله چشم میخورد. حدود یکماه بعد در عملیات سیاسی نظامی که بمناسبت سالگرد شهادت پنج تن از نرزدان خلق انجام شد نیز بیانیه ای خطاب به خانواده های شهدا و زندانیان منتشر کردید که جهت هائی جدید در رابطه برقرار ساختن با تشر دیگر در آن چشم میخورد. در این دو بیانیه که بنافصل حدود یکماه منتشر گردید پس از تعیین هدفهای تاکتیکی و جهت هائی دراز مدت تر به تشریح وظائف آنها در جنبش پرداخته شده بود. متعاقب آن نیز تأثیر مثبتی که يك عمل منطبق با ضروریات قادر است روی جریان بگذارد در انتصاب دانشجویان دانشکده اعتماد ملاحظه شده است، که با اتخاذ خط مشی و جهت هائی که در بیانیه دانشجوی تشریح گردیده بود اقتصادی موفق و سازنده انجام گرفت.

لیکن عملیات تروری که بعد از انجام گرفت را میتوان بیشتر غلبه جنبه نظامی بر سیاسی قلمداد کرد (پا-ورتنی ۱) در حالیکه در شرایط فعلی جامعه به هیچوجه جنبش مسلحانه در حدی نیست که قادر به وارد نمودن ضربات نظامی به دشمن باشد و عمدتاً هدف عملیات ما در جهت وارد نمودن ضربه سیاسی نظامی است که غالبیت یا جنبه سیاسی است که اساس بسیج خلق را در یک مبارزه ضد امپریالیستی تشکیل میدهد. در چنین شرایطی افعالی نظیر ترور هائی که سسال گذشته انجام گرفت و حتی دیده شد در کیفیت و صلاحیت جنبش از نظر نظامی هم نبود (زیرا همه آنها کاریک تیف عملیاتی بوده است و میتوان گفت که حد اقل از نظر نظامی سایر تیمها در این کیفیت نبودند و اشتباهاتی که خود این تیم در ترور حستان مرتکب شدند و ایسمن در زمانسی استست کسسه میسکی از جهت های عمده سازماندهی درونی بالا بردن کیفیت تیمها و همسان نمودن آنها میباشد) تنها به پیش از حد نشان دادن قدرت جنبش در ذهن روشنفکر و کلا جامعه میآنجا بدکسه بعد ها با روبرو شدن با واقعیت و دستگیر شدن تیم مربوطه و سکوتی که سپس از انتشار بیانیه مبینم تنها به یاس و تشدید تضادهائی بین صفوف مبارزین انجامیده که خود در جهت فاصله گرفتن جنبش از جامعه کمک نمود در حالیکه ضرورت پیوند صحیح بین صفوف مبارزین و جامعه بیش از هر زمانی احساس میگردد که خود لازمه پیوند بین صفوف مبارزین است یعنی تکمیل و بسط جهت هائی که در دو بیانیه اوائل ۵۳ منتشر شد، در سطحی ماضی خصم را که اکنون هیچ حرکت قابل لمس در جامعه در حدرد ۹ یا ۱۰ ماه اخیر چشم نمیخورد یا اگر هم وجود دارد کار توضیحی لازم روی آن انجام نگردیده است، و سیل تبلیغات رژیم است که تنها چشم میخورد، البته بعلمت پوشالی بودن معمولاً روی تشریح روشنفکر و حتی در حدود زیادی روی طرده مردم نیز

چند ان تأثیری نداشته است.

تحلیل فوق از شرایط فعلی جنبش و مسائل درگیر آن، و نیز تحلیل زیر که از شرایط اجتماعی ایران مسئله رستاخیز انجام گردید، اساس عمل سیاسی نظامی انفجار حزب رستاخیز تبریز را تشکیل داد.

با اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای تحت ستم امپریالیسم و ضرباتی که امپریالیسم جهانی - و در راس آن امریکا از رشد این حرکات متحمل گردید، که نمود آن شکست مفتوحانه اش در ویتنام (پا-ورتنی ۲) میباشد. بتدریج استراتژی جدیدی از جانب امپریالیسم جهت سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلقها طرح میگردد که اساس آنرا مخرج نظامی و عدم درگیری مستقیم از یکسو، و از طرف دیگر ایجاد قطبهای منطقه ای ضد خلقی در مناطق مختلف با حکمیت مطلق سیاسی نظامی امپریالیسم بر این قطبها میباشد (پاورتنی ۳) و همزمان با آن ایجاد پایگاههای نظامی در مناطق غیر درگیر یا خلقها (که در آنجا مستقیماً با خلقها درگیری نداشته باشد) مثل دیه گوگاریا در اقیانوس هند و پایگاههای سیار دیگر که هدف از آن در مرحله فعلی از نظر تاکتیکی مقابله با اردوگاه سوسیالیسم و در راس آن شوروی (نه بضمیمه اردوگاه خلقها) و از نظر استراتژیکی تکمیل نقش این قطبها و آبادی جهت درگیریهای آتی. البته با در نظر گرفتن نقش تضاد های درونی امپریالیسم مثل تضاد فرانسه و امریکا تحلیل کاملتری بدست خواهد آمد. مسئله فرق اساس جهت گیری استراتژی جدید امپریالیسم را تشکیل میدهد (پاورتنی ۴) که نمود آنرا در ویتنام می گردن جنگ ویتنام، مسئله اتحاد مصر و عربستان بعد از جنگ اکتبر و نشر ایران در خلیج و افریقا میتوان مشاهده کرد. که شناخت دقیق آن و طرز پیاده شدنش در هر منطقه ما را بشناخت ماهیت امپریالیسم و کیفیت مبارزات ضد خلقش رهنمون خواهد کرد. لیکن کشوری که برای این موضوع در نظر گرفته میگردد خود باید صلاحیت لازم را از نظر موقعیت درونی داشته باشد تا قادر به ایفای نقش ممول شده از جانب امپریالیسم در منطقه مورد نظر باشد.

در مورد منطقه خلیج فارس (که تضاد هایش سرریزها رو بر شد است) که اینک مخالفت هائی از جانب بعضی از جناحهای درونی امپریالیسم انجام میگرفت (که نمود آن در تضاد عربستان و کویت با ایران در مورد نحوه رهبری مبارزات ضد خلقی در منطقه چشم میخورد و رو آوردن ایند و کشور به تسلیح نظامی خود و تغییرات عمده ای که در عربستان انجام میگردد) لیکن بعلمت موقعیت خاص اجتماعی و رشدی که سرمایه داری وابسته ایران پس از انقلاب سفید نموده بود، و آنرا صالحترین کشور جهت تبدیل بیک قطب امپریالیستی مینمود که البته بعداً بعلمت خلائی که در افریقا وجود داشت و تا قبل از جنگ اکتبر اسرائیل آنرا حدوداً

بر مینمود) تا حدودی ابعاد وظیفه ایران و سمعتر گردیده و مداخله در اقیانوس هند و افریقا نیز تا حدودی جز وظایف او درآمد (پاورتنی ۵). نکات فوق شرایط خارجی حاکم بر ایران را در آستانه عنوان نمودن مسئله رستاخیز تشکیل میداد.

لیکن از نظر درونی رشد سریع پرورشی کمراد در این امکان را به ایران میداد که چنین نقشی را در منطقه بعهده گیرد و ترقی قیمت نفت که امکانات مالی لازم را جهت تأمین نیازمندیهای ضروری این هدف در اختیارش قرار میداد.

چنین قطبی از نظر اینکه هرچه بیشتر قادر به تحقیق بخشیدن به هدفهای امپریالیسم باشد لازم بود در رابطه ای نزدیکتر با جناحهای مختلف امپریالیسم جهانی قرار گیرد تا بتواند ثبات خویش را در مقابل تضاد های روبرو شد. جهانی حفظ نماید. (یعنی صلا کشورهای مختلف امپریالیستی نظیر فرانسه، انگلیس، و حتی سوسیالیستی نظیر اروپای شرقی و شوروی در قبال حفظ ثبات ایران ذینفع باشند) و از طرف دیگر خود بعنوان عامل جدیدی در حفظ ثبات و سرکوب هرگونه حرکت ضد امپریالیستی در منطقه کمک کند و سلطه امپریالیسم را حفظ نماید.

نمود مسئله فوق ایجاد روابط اقتصادی در سطحی بسیار گسترده و وسیع با ارقای نجومی با کشورهای امپریالیستی نظیر فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، و حتی کشورهای کوچکتر و کم اهمیتتر نظیر دانمارک و نروژ بود. و از طرف دیگر نزدیک شدن به اردوگاه سوسیالیسم در جهت درگیر نساختن خود در تضاد بین اردوگاه سوسیالیسم و امپریالیسم که عملاً قادر گشته بسیاری از تضاد های اقتصادی خویش را با شوروی حل نماید و روابط اقتصادی و سیاسی خوبی با آن برقرار سازد، گوا اینکه عملاً در قبال مسئله غیر قابل حل خاص ظفار خود را درگیر با شوروی قرارداده است.

در رابطه با هدفهای خارجی که بطور خلاصه و فهرست وار بیان اشاره شد از نظر سیاست داخلی که خود لازمه اتخاذ هر سیاست خارجی میباشد (همانطور که شاه میگوید بدون يك سیاست داخلی مستحکم و اطمینان در داخل، اتخاذ يك خط مشی مستحکم در سیاست خارجی امکان پذیر نمی باشد) ضرورت:

مستحکم تر نمودن اوضاع در داخل و متذکر ساختن هرچه بیشتر نیروها و حل تضاد های فرصی درونی جهت اتخاذ يك سیاست خارجی اطمینان بخش پس منظر تأمین هدفهای امپریالیسم، شدیدا چشم میخورد که این اساس رستاخیز را تشکیل میدهد.

چنانکه مبینم شاه پس از کشتن حامی دهر کسل حزب مردم که خود از نیکران خود فرشته بوده و

با تضاد های فرضی یا این سیستم پیدا نموده بود  
**میگوید** "هیچ فریاد مخالفی را تحمل نخواهیم کرد"  
پاروقی (۶)

در اعلام رستاخیز شاه میگوید "روز است که هر فرسود  
موضع خویش را مشخص کند و حالت پیدارشی و پنهان  
و جرد نخواهد داشت" (تشدید مجازات انقلابیون  
و شدت عمل هر چه بیشتر و وحشانه تر در سرکوب هر  
گونه صدای آزادخواهی از اینجا ناشی میشود که در  
چنین هنگامی این حرکات برای رژیم بعنوان قطب  
منطقه بسیار خطرناک میباشد و ایضا آزاد ساختن  
زندانیان سیاسی پس از اعلام رستاخیز پس از اتمام دوران  
محکومیت)

کلا رستاخیز بمعنی مغز و مرکزیت رژیم میباشد  
رژیمی که بتواند با حل تضاد های درونی و مرکزیت  
دادن به نیروهای خویش در داخل و نقش یک قطب  
امپریالیستی را محقق کند

برای اجرای چنین طرحی از این پس باید خود بتواند  
طراح سیاستهای ضد خلقی در منطقه برده و احتیاج  
به تغییراتی وسیع در کلیه سازمانهای دولتی، وزارت  
خانه ها، و ارگانهای رژیم و جهت گیری تبدیل آنها  
بمسئولتهای فعال و طرح و مجری سیاست کلی  
امپریالیسم باشد (مسئله مبارزه با فساد که اخیرا  
عنوان شد لیکن رژیم نتوانست بعلمت با اهمیت محمود  
در اطرافانی سرصدای زیاد برآوردد از این زمینه  
است) لذا از این پس ما شاهد تغییراتی وسیع در  
کلیه زریای جامعه پریم (در سازمانهای دولتی و  
غیر دولتی) و از طرف دیگر تغییر ریزنه های جامعه  
نظیر تغییر مبدا تاریخ از بدای سنتی ایران بیساک  
بپیدا متناسب با ایدئولوژی رژیم (یعنی کلا زریای  
اقتصادی و ریزنه های فرهنگی باید تغییری در جهت  
جدید پیدا نماید) ، تغییر چهره مجلسین از حالت  
نابیندگان مخیخ است احسن گوی سابق به نایند -  
گانی که سبیل آن آزمون این مغز سیاسی ساواک است  
(که تا دیریز صحبت از وزارتش بود و بناگاه نماینده  
اول تهران گردیده و در مرکزیت رستاخیز جای میگیرد)  
و وزیر سرمایه داران که در نظیر لاجوردی، نیکبخت  
علی رضائی، و مهدوی و ... است

تشکیل ارگانهای حزبی جهت کنترل حرکات جامعه  
و جهت دادن به آنها بمسئولتهای اصلی امپریالیسم  
& نابود کردن نیروهای حاشیه و خرده با نظیر بورژوازی  
دلی و خرده بورژوازی و تبدیل آن به قشر خدمات (نتیجه  
ای که از مبارزه با گرانفروشی صلا گرفته شد ایجاد شرایط  
مناسب جهت نابودی سریع این طبقه بود) و همزمان  
با این ایجاد فروشگاههای بزرگ که بتواند به نابودی  
درجه سبتر خرده بورژوازی کمک کند  
مسئله تحصیل رایگان و خارج ساختن سرمایه داران  
کوچک نرفهنگی و از طرف دیگر مجبور ساختن دانشجوین  
به تصد خدمت با بالا بردن شهریه دانشگاهها در  
حدود صد هزار تومان

مسئله در کلیه زریای جامعه را نشان میدهد  
و نکته مهم دیگر باید در نظر گرفته شود تا

سیستم اقتصادی جدید بتواند بر جامعه حاکمیت پیدا  
نماید و بدون اعمال دیکتاتوریهائی نظیر سالهای ۳۲  
تا انقلاب سفید قادر به تأمین نیازمندیهای امپریالیسم  
گردد

۱- تغییرات زیربنائی دراز مدت مسئله (زیرا مسئله  
رستاخیز تنها اعلام خط مشی جدید رژیم است نه  
اینکه یک شیوه تمام برنامه اجرا گردیده) که خود اساس  
استحکام داخلی سیستم را تشکیل میدهد  
۲- تغییرات روینائی و کنترل روابط اجتماعی جدید  
که ازین پس باید اعمال گردد

نتیجه هماهنگی و مورد فوق جهت اجرا مسئله  
به بهترین وجه میباشد که در قالب جناحها خود نمائی  
میکنند & یک جناح برهبری هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد  
و دارائی (توجه بمسئولتهای وی) مسئول اجرای جنبه  
اول و دیگری جمشید آموزگار وزیر کشور مسئول تنظیم  
قسمت دوم مسئله & یعنی کلا هماهنگ ساختن زیربنائی  
تولیدی جامعه و از طرف دیگر روابط اجتماعی و ساز-  
ماندهائی در این کشور که برنامه ریزی در دو جنبه  
فوق شکل پندی هر سیستم اجتماعی را تشکیل میدهد  
در اینجا است که شاه اعلام میکند هدفهای جناحها  
هدفهای نیست که در سابق احزاب دنبال میکردند  
یعنی دسته بندیها و حزب بازیهای قبلی بلکه هدف  
هماهنگ ساختن تقسیم پندی جدید و صحیحی بین  
نیروها و قوای اصلی رژیم است & در حالیکه بعلمت عدم  
وجود کادرهای لازم و امکانات کافی در این مورد بسیار  
ری از صبرهای رژیم متوجه این تغییر جهت نگردیده  
اند و مخالفت دادن آنها در سیستم جدید تنها  
بدلیل بعین ضعف امکانات میباشد مثلا هلاکوار آمد  
لیدر فراکسیون حزب مردم سابق در آستانه تشکیل جناح  
ها میگوید "من چون هم با آموزگار و هم با انصاری بسیار  
دوست هستم هنوز تصمیم نگرفته ام وارد کدام جناح  
گردم و برایم فرقی نمیکند (ریزنانه کیهان) در حالیکه  
شاه بدست گفته "دیگر دوستیها و دسته بندیها  
اساس جناحها را تشکیل نمیدهد"

نبرد مسئله جناحها را در جبهه های تشکیل  
دندنه این دو جناح بوضوح میتوان دید  
اکثریت قریب به اتفاق روسای دانشگاهها و جبهه  
های برنامه ریز اجتماعی به جناح آموزگار پیوستند  
جبهه های اقتصادی و انفرادی اصلاحیت رژیم در  
این زمینه (برنامه ریزهای اقتصادی) در جناح  
انصاری جای میگیرند  
برنامه دان پند و بر خورده های (غیر شعارش)  
جناحها با یکدیگر اثبات کننده نقش جدید جناحها  
سرای برداشتهای است که در سابق از احزاب و  
جناحهای مختلف با تضاد های درونی میگردد  
در حقیقت این دو بصورت دو جز بکل یکدیگر  
عمل میکنند

پس در حقیقت رستاخیز بمنزله اعلام خط مشی  
جدید رژیم در مرکزیت دادن به نیروهای خویش و  
جاسعه بمنظور اعمال سیاست امپریالیستی در منطقه  
میباشد که خود نشان دهنده نقش اساسی ایران و  
اهمیت آن برای امپریالیسم میباشد

از سوی دیگر اهمیت تاریخی مبارزه خلق ایران و تا  
همیش در منطقه ای وسیع که ضربه را به قلب امپریالیسم  
در منطقه وارد میکند

و با پیروزی جنبش مسلحانه خلق ایران در حقیقت  
"خلق ما گور امپریالیسم را در منطقه  
خواهد کتبد"  
"پیروز بساد مبارزه مسلحانه  
خلق ایسران"

پاروقی ۱- زیرا هدفهای را که این عمل بخاطر  
برای قشری و یا حتی توده مردم توضیح دهد  
تأثیرش ریزی توده چند ان چشم نیخورد (خود  
های تثبیت شده در جنبش میباشد که همان خور  
ضد امپریالیستی جنبش و نشان دادن نقش امیر  
لیسم آمریکا در منطقه و ایران میباشد و از طرف دیگر  
تأثیرش تنها روی قشر روشنفکر است) که طبق بحث  
فوق احتیاجی به آن ندارد) و این در زمان نیست که  
علا در رستاخیز هیچ حرکت قابل لمس چشم  
نیخورد و در شهر نیز حرکات کارگری تنها بسته  
صورت پراکنده و غیر مرتبط (چون هدف مشترک  
قابل لمس برای طبقه کارگر نخواهد شده است  
لذا ضرورت ارتباط بین حرکات آنها نیز وجود ندارد  
شته و علا ارتباطی بین این حرکات پراکنده بوجود  
نیاند) با یکدیگر و تنها در حدود خواستههای  
صنای که حتی کوچکترین شعارهای سیاسی نیز  
آن چشم نخورد بسیاری از اعتبارات با شعار  
جاود شاه خانه میباشد) دور میزند

پاروقی ۲- منظور از شکست بنیتام ختم مسئله در  
بهار گذشته نیست زیرا ظنیه پیروزی خلق و ستام  
شکست ناپذیری آن در مناسر هند رچین از سالها  
جلتر برای آمریکا روشن گردیده بود که تنها مسئله  
طرح برای امپریالیسم ریز طرز خاتمه نبرد و حداقل  
ضربه را خوردن مطرح بود، نه پیروزی در نبرد

پاروقی ۳- که نظارت و وابستگی سیاسی نظامی یک  
کشور از جانب امپریالیسم تنها هنگامی امکان پذیر  
است که زیربنائی تولیدی و اقتصاد آن جامعه تنها  
در ارتباط با سرمایه داری جهانی امکان ادا  
حیات را داشته باشد نظیر در تبعیت سرمایه داری  
دنیادار (وابسته) در ایران که تنها در رابطه وجودی  
با سرمایه داری جهانی امکان ادا حیات دارد

پاروقی ۴- به لغت جهت گیری که آورده میشود توجه  
شود منظور از آن اینست که نشان داده شد تصمیم  
به برنامه ای در جریان میباشد نه در مقلح و ناگهانی

**مثل جهت گیری رژیم به ایجاد مرکزیت بین نیروهایش**  
 که از برای مرکزیت مطلق را نمیتواند ایجاد کند \*  
 پارسی ۵- که تشدید خلافت چنین قلبی در افریقا ،  
 شرح اسرائیل پدران جنگ اکتبر بود ( سرزنش اسرائیل  
 از جانب شاه که ترانسته نقش خود را ایفا نماید و  
 شکست نهادهای اسرائیل یعنی بر سرکوب نظامی  
 دشمن ) از افریقا و سیل دلاوری های اعرابی نظیر تذاتی  
 ( مثل مدم پستیانی لبی از جنبه آزاد بیخس چاد  
 در برال نفع رابله دولت چاد با اسرائیل ) که البته  
 شمار چندان مهمی برای امپریالیسم ایجاد نمیکرد و  
 شهابی را در مقابل برتری برای ورود ایران و خروج اسرائیل  
 میکرد \*

لیکن خنثی را برای امپریالیسم ، رشد مبارزات  
 آزاد بیخس خلتهای تحت ستم افریقا تشکیل میداد  
 که این خود محور سیاست نگاشی بر افریقای رژیم را  
 تشکیل میداد که تقریباً پس از جنگ اکتبر اعلام  
 گشت راینده ورود و خروج سیل آسای سران برتجع  
 افریقا به ایران در دو سه سال اخیر و کمک  
 های سیل آسای ایران به این کشورها ( در راهی همه  
 سنگال ) جهت ایجاد وابستگیهای زیر بنایی \*  
 پارسی ۶- البته حامی خود بیانگر طرز تفکر یک  
 جناح در داخل رژیم میباشد و کشتن وی جهت گیری  
 در حل ساختن حتی تضادهای در این حدود  
 است به شدیدترین روش \*

۱- گروهی بنام والعه در اواخر تابستان در  
 مشهد لورفته است \*

۲- در مرداد ماه طی یورش که پلیس بخانه ای در  
 کوی طلاب مشهد که یک گروه از چریکهای سازمان مجا-  
 هدین خلق ایران در آن بودند میکند \* زد و خوردی  
 بین آنان و پلیس در میکرد که طی آن دو نفر از چر-  
 یکها ( علم اصغر دیوس و سید کاظم مدنی ) پشما-  
 دت رسیدند \*

بگفت ناظران یعنی یورش در اثر انفجاری بوده که در  
 اثر اشتباه اسرار منزل رخ داده ، در این درگیری زن  
 همسایه ای از ناحیه پا مجروح و یکی از اطاقهای خانه  
 صدمه دیده و خراب شده است \*

این افراد تاثیر مثبتی روی مردم گذاشته بودند که یکی  
 از نعل آن امکان نسبی در پختن اعلامیه و توضیح  
 علشان مردم بوده که اعلامیه های آنها پس از عمل در  
 سطح نسبتاً وسیع و همه جانبه ای در شهر پخش میشده  
 است بطوریکه افراد عادی نیز از جریان مطلع میشدند  
 و دیگری بر اثر جوی که بر شهر حاکم بوده است ( خراب  
 کردن دور بست حرم مطهر ) که باعث گردیده بسیاری  
 از قشرهای خود بورژوازی و بخانه دارانی که خسارت  
 دیده اند از آنها بعنوان دشمن یاد کنند \*

نزد پیروی ( حدود شصت سال ) که مغازه لبنیاتی و خوار  
 و بار فروشی داشته و ستاره اش را خراب کرده اند تعر-  
 یف میکرد که چکونه انجمن ایران و امریکا را منفجر کرده-  
 اند \* وی میپرسید که آیا در تهران هم اینطور در -

گیری دولت با نالت است ؟ و تحلیل میکرد ، که قبلا این  
 درگیری در شهرهای کوچک بوده و حالا که بملت نشار  
 آمده همه جایی گردیده است \*  
 توضیح - هدف از خراب کردن دور بست حرم مطهر  
 از برنامه های تاکتیکی نبود میزود رس خورده بورژوازی  
 میباشد ( به تحلیل رستاخیز توجه شود ) که بر اثر شر-  
 انط خاص بر منطقه و شهر اجراء میگردد ( بجز-  
 برنامه نام مبارزه با گرانفروشی که در سطح مملکت انجام  
 کرد بد ) نظیر خراب کردن " دکمه های مزاحم " در بازار  
 پشت شهرانی تبریز که تعدادی زیاد فروشندگان  
 خرده پا و جزه که شاید حداکثر سرزایه هر یک به سی  
 یا چهل هزار تومان میرسید عملاً از بین رفتند و نه تنها  
 خسارتی به آنها داده نشد بلکه عده معدودی نیز که  
 توانسته بودند پا پرداخت سر قفلی های نسبتاً زیادی  
 در پاساژ شمس آذر گرد آورند پا خراب شدن پاساژ  
 مزبور از هستی ساقط گردیدند \*

۳- در مرداد ماه هنگامیکه دو جوان با ساکی از-  
 محلی نزدیک محوطه راه آهن مشهد ( که عبور برای  
 افراد پیاده منوع است ) عبور بنمودند ، مورد شک یک  
 استوار شهربانی که یک پاسبان نیز همراه وی بوده \*  
 قرار میگرفتند و هنگامیکه مشغول بازرسی از ساک آنها  
 که در رویش مقداری وسائل حمام قرار داشته میشوند ،  
 دو جوان مزبور با توراندازی مرفقی به کشتن پلیس ها -  
 گردیده و امکان فرار پیدا میکنند \* برای پاسبانها -  
 مجلس ختم تفصیلی گرفته و تشییع جنازه رسمی بعمل میاید  
 ۴- در خیابان گرگان بین چهارراه عظیم پور

و مدان شریا سه نفر از چریکهای فدائی خلق پسران -  
 خروج از خانه تیمی مترجه میسرند که در محاصره اند  
 یک نفر از افراد گروه که دختر بوده با نارنجک و مسلسل  
 بمباران پشتیبانی در فرار دو نفر دیگر کمک میکند \* یکی  
 از اهالی که بعنوان خود شیرینی برای دستگیری دختر  
 اقدام میکند توسط وی از ناحیه پا زخمی میگردد \* کشته  
 شدن دختر و پایان ماجرا در یکی از کوچه های خیابان  
 کهن اتفاق میافتد و دختر که به گفته ای خود را پسا  
 نارنجک شهید میکند تنگه هایی از بدنش به در و دیوار  
 پسیبیده بزد منظره بهشت آوری را بوجود آورده بود \*  
 ناظران به مردمی که گفته بودند بیچاره چی شده ؟  
 گفته بودند هشت نفر را کشته حقتش بوده \* در این در-  
 گیری چریکها با شجرهای ضد رژیم از خود دفاع  
 میکردند \* خبر مربوط به سی مهر است \*

توضیح - علت عدم انتشار این خبر توسط رژیم فرار  
 دو چریک بوده زیرا رژیم همیشه سعی دارد در اشاعه  
 اخبار یأس آور و اینکه هرگز کسی نمیتواند در درگیریها  
 موفق گردد در حالیکه در پنجسال اخیر دهها بار ما  
 شاهد درگیریهای موفقیت آمیز فرزندان خلق با مزدور  
 رژیم بودیم \*

پلیس در ریز بعد منطقتی را بین شاهرضا ، گرگان و  
 نظام آباد خانه کردی میکند که به نتیجای میرسد \*  
 در رفت و آمد در شهر باید توجه داشت مناطقی که در

آنها اتفاقات نظیر فوق رخ میدهد معمولاً تا چند روز  
 پس از واقعه آلوده بوده و حرکت در این مناطق امکان در  
 دید پلیس قرار گرفتن را پدیدال خواهد داشت \*  
 ۵- در اواخر مرداد ماه در خیابان خواجه ربیع مشهد  
 پلیس بیک اتومبیل حامل دو سر نشین شک میکند که  
 تیراندازی در گرفته سر نشینان موفق بفرار میشوند \*  
 ۶- در دفقانی خواهر شهید بهرین دهقانی در  
 روابطی با شخصی از اهالی گرگان بوده که پلیس در مرداد  
 عدای را با اتهام رابطه با وی دستگیر میکنند \* چون  
 افرادی مذهبی نیز جزو دستگیر شدگان میباشد شایعه  
 افتاده بود که وی تسخیر ایدئولوژی داده و مذهبی  
 شده است \*

توضیح- این شایعه در رابطه با جریانات اخیر  
 و تغییراتی که در سازمان مجاهدین یعنی سبیل مذ-  
 هبی جریان رخ داده معنی میدهد ، که مذهبیون  
 ناخود آگاه میخواهند با اینگونه شایعات خواست خود  
 را که فکر میکنند شکست خوردن تاکید کنند و آنرا -  
 دلیلی بر صحت راه خود ببینند \*

۷- در اواسط مهرماه دو گروه مذهبی درباره اعلام  
 مجردیت میکنند ( چون قبلاً نیز بوده اند ) اعلامیه های  
 این دو گروه در نمازخانه دانشگاه صنعتی پخش شده  
 است و نماد هنده پایگاه فلسفی مذهبی آنهاست  
 که در آن یکی خود را الفجر و دیگری مهدیون نام-  
 نهاده اند \*

۸- در تابستان گروه چریکی بنام " اقتدا " بسا  
 بخبر اعلامیه در سینما پلازا که در آن زمان فیلم  
 روشنکنانهای میداد اعلام موجودیت میکند \* گروه  
 مزبور خود را دارای ایدئولوژی اسلامی معرفی و در  
 اعلامیه خاطر نشان میسازد که از این پس مشغول جمع  
 آوری تدارکات و سازمان دهی  
 برای مبارزات بزرگ آینده است \*

توضیح - پایین گروه نمیتوان گروه چریکی نام نهاد  
 چون گروه در عمل باید چریکی باشد نه در حرف و مسلم  
 کسانی که چنین آغازی دارند ( که کلاً خالت فرصت  
 طلبی و عدم دید صحیح نسبت به مبارزات بزرگ آینده  
 را نشان میدهد ) عاقبت خوشی نیز در آینده نزدیک  
 پریشان تصور نیست \*

۹- بدنبال جبهه گیری ضمنی مردم در مقابل جار-  
 و جنجال حزب رستاخیز و هنرمندان با انفجار سینمای  
 قم و عطیاتی در چند شهرستان دیگر \* در شهرستان  
 زنجان چهار بسب در عرض یکساعت در مقر استانداری و  
 مقر فرمانداری و حزب رستاخیز زنجان منفجر گردید \*  
 ساواک زنجان که تا کثون با چنین مسائلی برخورد ندا-  
 شته سخت از قضیه غافلگیر شده و اقدام بدستگیری جمع  
 کثیری از اهالی که برای تاشا جمع شده بودند و نیز  
 منازل ، مینماید \* لیکن چون چیزی از آنها دستگیرش  
 نمیشود آنها را رها میکند \* انفجار چهار بسب هم-  
 زمان در یک شهرستان نه چندان بزرگ و تنها ورد -  
 زمان اهالی بوده و همه با ناباوری از آن صحبت  
 میکردند ، اشاره باینکه چند ماه قبل عدای از رها -

شروع رونق گرفت زنجان به علت دست‌پدست گشتن چند اعلامیه مخفی و کشف آن بدست پلیس دستگیر شده - پرونده که دوسه تن از آنها به حبس‌های طولی - اهدات محکوم شده که هم اکنون در زندان پسر میبزند - استانداری و فرمانداری در يك باغ تزار دارند که دو شعب در استانداری و يك شعب در فرمانداری و يسك مسجد در حزب رستاخیز کار گذاشته شده بود .

انفجار ریز سوم خورد اربعه انجام گردیده بود . یعنی شب سالگره د شهادت برادر شهید ، رزمده انقلابی سعید محسن که خود اهل زنجان بوده .

توضیح - بطور میاید که انفجار از جانب گروه جدیدی بود که تا کنون خبری از موقعیتش مشخص نگردیده است . بطوریکه مشاهده شده بود تا دوسه ریز کلیه راه‌های ورودی و خروجی شهر در کنترل ساواک برده و حتی راه های ورودی شهرهای بزرگ اطراف هم مانند تبریز و قزوین به خاطر رد گیری از هاملین این جریان تحت نظر و بازرسی بوده .

از طرف دیگر در رفت و آمد این شهرهای مختلف باید باین نکته توجه داشت که گاه بگاه مکتب سائلی که در يك شهر اتفاق میافتد ساواک به کنترل راه‌های ورودی و خروجی شهر مورد نظر به شهرهای اطرافش پرداخته است .

معمولا کنترل باین صورت است که تعدادی ساواک کی در پاسگاه پلیس راه مربوط به شهر مورد نظر استقرار شده ( زیرا در پاسگاه علاوه بر آنکه میتوان از اتصالات پلیس راه نظیر بیسیم قوی و اتومبیل ها و موتور سیکلت های آنها استفاده کرد ، متوقف ساختن اتومبیل ها امری طبیعی جلوه کرده افراد مشکوک ناآلگیر شده و تقریبا راه فراری در بیابان نیست ) و کلیه مسائل -

فصلیه ام از اتومبیل کابین ، سراری و موتور سیکلت ها با توقف کرده با نگاه به قیانه افراد و پرسیدن میاید ، مقصد و وابستگی افراد بیکدیگر و بازدید صندوق ، عقب آنها و نیز نگاه کردن لیست مسافین در اتومبیلها و پرسش از راننده و کمک راننده از وضع مسافین و

مبدا و مقصد مسافین که بهین راه سوار شد تاند ، و گاهی بازجویی مختصر از افراد مظنون و پرسیدن سئل و خرابستن کارت شناسایی ۱۰۰۰ اجازه صبر میدهند . علاوه دیده شده که داشتن محلهای مناسب فرد را -

قادری ساخت خود را ، در میان افراد مصرلی حفظ نماید . البته چون لازمه کنترل راه احتیاج به بسج - اطلاعاتی زیاد برای پلیس دارد تنها در مواردی بسا اهمیت اقدام باین کار میکند .

۱۰ - خواهر اسیر ناھید جلالی زاده که در ارد - تبهشت ۵۱ همراه همسرش در رابطه با شهید مهدی رضائی دستگیر و به چهار سال زندان محکوم شده و در جریان فرار خواهر بارز اشرف دهقانی از زندان دست داشته ، چند پند شناخته و به ده سال زندان محکوم میگردد .

فرماندها نشان بار دیگر نشان داد که هنگامیکه مبارزات تهر آمیز مسلح اوج میگردید دیگر زحمت تعیین

ملاک و تائونی جلوه دادن کارش را بخود نمیدهد . ۱۱ - بعد نبال دستگیری بتول فتیه در فولی خواهر - مبارز را با برادر خائن در زندان رویو میکنند تا برادر خائن وی را به همکاری دعوت کند ، بطوریکه گفته شده وی بدصورت برادرش آب دهان میاندازد . پدر و مادر خلیل گفته اند از داشتن چنین پشیمی احساس تنگ میکنند .

۱۲ - حدود ۱۸ تا ۲۴ بهمن ماه معاون ساواک شهید مطهری کلوله های انقلابین از پای در میآید که طی تشریفات خاصی دفن میگردد .

گفته میشود که انقلابیون طبق نقشه تئوری پدر خانه او رفته و در زده میکنند خانه بکلی آتش گرفته و او هنگامیکه برای فرار از آتش از خانه بیرون میآید خود را مقابل با آتش خلق مینیند . بطرف خرابی در آن - حوالی فرار میکند که با دوتن دیگر از زندان خلق سراجبه شده و گلوله های آنها در بدنش جای می - گیرد .

۱۳ - در دی ماه در تبریز يك سرگرد ارتش یکی از انبارهای اسلحه را در خیابان شاهپور تخلیه و - فراری میشود . بعد از این جریان مدت پانزده روز در تبریز حکومت نظامی برقرار میشود .

۱۴ - در اوائل آذر ماه چند فرد مخفی در يك رابطه با گروهی مذهبی دستگیر میگرددند . یکی از ایشان شینین ساعدی عراقی دانشجوی دانشکده فلسفی ( مدرس مصطفی ملایری که باتهام ارتباط با مجاهدین در سال ۵۰ دستگیر و پس از آزادی دوباره دستگیر و اکنون در زندان است ) که پس از دستگیری همسرش توسط ساواک مخفی گردیده بود .

دیگری مهدی بخارائی ( برادر شهید محمد بخارا - نی که همسر خائن را ترور کرد ) که از حدود یکسال قبل مخفی گردیده بود .

یک کارگر جوان و احتمالا يك دختر دانشجوی دیگر جزو دستگیر شدگان هستند .

خبرهای کنیه نمده حاکی از شکنجه شداید ، هوی ایشان است لیکن همگی صداقت انقلابی خود را ثابت نموده اند و تن به خیانت نداده اند .

از بیابای گروه و چگونگی فعالیت های ایشان چیز چندانی مشخص نیست . و گویا مدارک مهمی نیز در این روابط بدست ساواک نیافتاده است . چیزی که تا حدودی مشخص شده شمار ساواک روی ایشان برای استفاده تبلیغاتی میا شد ( زیرا تمامی افراد فوق مذهبی بوده و اختلاف نظرهای بسا مجاهدین داشته اند ) .

چون بیان مسئله یکی از نظر تجری و دیگری نشا - ن دادن بعضی واقعیات که روشن شدن نسخه وحدت واقعی کمک میکند ارزش دارد بر اساس اخباری که دردسترس بوده بذکر آن میپردازیم و لازمست در

اینجا یاد آور کردیم خبر ذیل بر اساس اطلاعات است موق که از دستگیر شدن بدست آمده تنظیم گردید است :

در اوائل سال ۵۳ گروهی از دانشجویان دانشگاه منتهی که فعالیت های سیاسی با یکدیگر داشته اند مخفی میگردد که دو برادر شهید مهدی شاه کرمان ( که در اوائل تیر ماه در احضران شهید گردید )

مهدی شاه کرمانی ( که در اوائل ماه ۵۴ در خیابان شاد سهر شهید شد ) علی اکبر نبوی نوری ( که سال ۵۰ در ارتباط با مجاهدین دستگیر شده و پس از يك سال آزاد شده بود ) با تفاق یکی دوتن دیگر از دانشجویان دانشگاه منتهی که در رابطه گروهی بودند قیس -

از دستگیری ( و مهدی شهید هنگام دستگیری در جلو دانشگاه ) از جنگ پلیس میگریزند که پس از چند ماه فعالیت گروهی مخفی خود با سازمان مجاهدین خلق رابطه برقرار کرده همگی وارد سازمان مجاهدین خلق میشوند . لیکن به علت بعضی اختلاف نظر ها طی اکبر نبوی نوری از سازمان جدا شده و به فعالیت جداگانه میپردازد ( احتمال تقریبی به یقین مهدی شهید نیز به فعالیت جدا از سازمان مجاهدین میپردازد

تا در تیر ماه ۵۴ به علت تعدادی با موتور سیکلت و انفجار مواد منفجره در نزدیکی احضران شهید میگردد و به علت مخفی بودن نمیتواند با علی اکبر رابطه برقرار کند یکی از افراد که در رابطه با این گروه جدید قرار میگردد فردی بنام فرتاش دبیران بوده ( پاورقی ۱ )

وی پس از چند ماه که از مخفی شدنش میگردد از جانب گروه کنار گذاشته میشود ( در حالیکه اطلاعاتی از گروه داشته است ) ، پلوریکه وی برای دوستان و نزدیکانش تعریف کرده بود بطور اتفاقی در خیابان با یکی از اعضا مهم سازمان مجاهدین خلق برخورد میکنند که پس از گفتن شرح حال خود و دروغ هایی که بهم میبافد از اینکه اینها قصد دارند من را بکشند ( گروه ) و من نتوانستم با اینها فعالیت کنم . . . .

( در سال ۵۰ نیز اساس زمینه روانی شدنشرا این توهم تشکیل داده بود که مجاهدین به علت خیانتهايش در بازجویی قصد کشتن وی را در زندان دارند در حالیکه اصلا فرد سخی نبود که اطلاعاتی داشته باشد و چنین مسائلی پیش آید )

عضو سازمان پوی نصیحت میکنند که بروی وطنی شود و جمله ای گفته است بدین صورت : " جان را بردار و از دست اینها فرار کن " و هرگز این گروه خائن است و ضد جنبش و صحبت هائی در این زمینه ( که این جریان بر خورد همزمان با کشتن شهید شریف واقعی در سازمان بوده و فرتاش این گفتار را برای افراد زیادی تعریف کرده است ) این گفتار بر اساس ضعف های وی و خورد کم بینی اش نسبت به سازمان در وی موثر واقع میگردد تا جائیکه رسالت خود را در این میبندد که وطنی شده و با همکاری ساواک باصلاح خود اقدام به نابودی این گروه کرده و به جنبش خدمت کند ( پس از شش ماه مخفی بودن در حالیکه به نشر بااستی

شده است و همسرش شرف محمودی ششز مشهور گروه بوده است و فرزانش را تانید نینموده ( وی به ساواک رفتند در مقابل فرولی که از ساواکها میگریه میگردد من شد گونه همکاری را برای دستگیری این گروه میکنم و شما فقط کاری کنید که همسر من سده ندهد و تحویل من گردد و ساواکها با کمال احترام با وی رفتار کرده بهای دو روز بعد وی را آزاد میکنند و وی صادقانه حتی بدون کمک گرفتن از ساواک به مکانهایی که احتفال بودی از گروه در آنجا ها وجود داشته مراجعه میکند و نام دهها نفر از دوستان همسرش را که سمپاتی داشتند و ممکن بود بتوانند رابطه ای بسازد گروه داشته باشند در اختیار ساواک قرار میدهند ( در زمانیکه افراد را تنها بخاطر خواندن اعلامیه محکوم به حبس هاشمی تا ابد میکنند این فرد که در رابطه با گروه مسلح بوده یکی دو روزه آزاد میگردد ) بر اساس اطلاعاتی که از وی بدست ساواک میافتد فعالیت رسمی برای دستگیری گروه آغاز میشود مخصوصا هنگامیکه بوسیله وی منوجه میگردد گروه به مواد منفجره دسترسی داشته و در مرحله نظامی قرار دارد پس از یک ماه همسر وی نیز که حامله بوده ( در نزدیکی سختی حامله شده بود ) و دارای ضعفهای قوی بود که بعد از مدتی مرگ کردید ، تصمیم میگیرد که از گروه جدا شود و اظهار میدارد که میخواهم بسا سازمان مجاهدین رابطه گرفته به آنها بپیوندم در حالیکه یک روز بعد از جدا شدن از گروه خود را به ساواک معرفی نموده در حقیقت به سازمان امنیست پیوسته .

توسط این زوج هنرمند که مدتی در رابطه با گروه بوده اند (هموما از نظر اطلاعاتی شرف محمودی که سیدی بخاراشی را به تیافته میشناخته در حالیکه همسر ساواک از رابطه سیدی با گروه اطلاع نداشته است ) اطلاعات مهمی از ترکیب گروه و چگونگی فعالیت و ادکات و خط مشی گروه در اختیار ساواک قرار میگردد ( حتی اطلاعات عامی که مربوط به گروه خاصی نبوده و به جنبش تعلق داشته است مثل طرز تهیه مواد منفجره طرز خانه گرفتن ، رابطه گیری با افراد ملنی ، طرز گذاشتن محل ها ، قرارها و ... ساواک را میتوانند در ضربه زدن به جنبش یاری کنند ) بطوریکه این دو خصوصا فرناش بهشتیان اختراعات خود نزد دیگران معرفی کرده اند که تا آن زمان ساواک از ارتباط سیدی بخاراشی و یکی دو نفر دیگر با گروه کوچکترین اطلاعی نداشته است و اصولا نمیدانسته که این دو سلسله نفر منحنی پرده و با این گروه ارتباط دارند ( یا برخی ) بر اساس اطلاعات ذیقیمت شرف ساواک موفق میگردد چند ماه بعد با انژی زیاده سیدی بخاراشی را در تهران دستگیر نمایند ( در حالیکه اگر رابطه وی با گروه مشخص نبود وی به سادگی با اطلاعاتی قادر میبود ساواک را گمراه کرده و اصولا ربطی به گروه پیوسته نیاید )

لازم است توضیح داده شود که گروه در مشهد فعالیت داشت و همسرش شرف محمودی ششز مشهور گروه بوده است و فرزانش را تانید نینموده ( وی به ساواک رفتند در مقابل فرولی که از ساواکها میگریه میگردد من شد گونه همکاری را برای دستگیری این گروه میکنم و شما فقط کاری کنید که همسر من سده ندهد و تحویل من گردد و ساواکها با کمال احترام با وی رفتار کرده بهای دو روز بعد وی را آزاد میکنند و وی صادقانه حتی بدون کمک گرفتن از ساواک به مکانهایی که احتفال بودی از گروه در آنجا ها وجود داشته مراجعه میکند و نام دهها نفر از دوستان همسرش را که سمپاتی داشتند و ممکن بود بتوانند رابطه ای بسازد گروه داشته باشند در اختیار ساواک قرار میدهند ( در زمانیکه افراد را تنها بخاطر خواندن اعلامیه محکوم به حبس هاشمی تا ابد میکنند این فرد که در رابطه با گروه مسلح بوده یکی دو روزه آزاد میگردد ) بر اساس اطلاعاتی که از وی بدست ساواک میافتد فعالیت رسمی برای دستگیری گروه آغاز میشود مخصوصا هنگامیکه بوسیله وی منوجه میگردد گروه به مواد منفجره دسترسی داشته و در مرحله نظامی قرار دارد پس از یک ماه همسر وی نیز که حامله بوده ( در نزدیکی سختی حامله شده بود ) و دارای ضعفهای قوی بود که بعد از مدتی مرگ کردید ، تصمیم میگیرد که از گروه جدا شود و اظهار میدارد که میخواهم بسا سازمان مجاهدین رابطه گرفته به آنها بپیوندم در حالیکه یک روز بعد از جدا شدن از گروه خود را به ساواک معرفی نموده در حقیقت به سازمان امنیست پیوسته .

توسط این زوج هنرمند که مدتی در رابطه با گروه بوده اند (هموما از نظر اطلاعاتی شرف محمودی که سیدی بخاراشی را به تیافته میشناخته در حالیکه همسر ساواک از رابطه سیدی با گروه اطلاع نداشته است ) اطلاعات مهمی از ترکیب گروه و چگونگی فعالیت و ادکات و خط مشی گروه در اختیار ساواک قرار میگردد ( حتی اطلاعات عامی که مربوط به گروه خاصی نبوده و به جنبش تعلق داشته است مثل طرز تهیه مواد منفجره طرز خانه گرفتن ، رابطه گیری با افراد ملنی ، طرز گذاشتن محل ها ، قرارها و ... ساواک را میتوانند در ضربه زدن به جنبش یاری کنند ) بطوریکه این دو خصوصا فرناش بهشتیان اختراعات خود نزد دیگران معرفی کرده اند که تا آن زمان ساواک از ارتباط سیدی بخاراشی و یکی دو نفر دیگر با گروه کوچکترین اطلاعی نداشته است و اصولا نمیدانسته که این دو سلسله نفر منحنی پرده و با این گروه ارتباط دارند ( یا برخی ) بر اساس اطلاعات ذیقیمت شرف ساواک موفق میگردد چند ماه بعد با انژی زیاده سیدی بخاراشی را در تهران دستگیر نمایند ( در حالیکه اگر رابطه وی با گروه مشخص نبود وی به سادگی با اطلاعاتی قادر میبود ساواک را گمراه کرده و اصولا ربطی به گروه پیوسته نیاید )

از جانب افراد آگاه مخفی بماند و بقدری رسوا شده اند که بدتها از آفتابی شدن در اجتماع اجتناب میکردند در حالیکه افراد گروه در زمانیکه هنوز تضاد های درونی مجاهدین در جامعه منعکس نشده بود بخاطر اتخاذ موضعی جدا از مجاهدین تحت شدیدترین اتهامات از جانب سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته بودند که با امکاناتی وسیع به شایعات مبنی بر طرد آنها از سازمان بعلت ضعف متهم شده بردند در حالیکه آنها خود با میل خود از سازمان جدا شده لیکن بخاطر دامن نزدن به تضاد های درونی جنبش و جلوگیری از ضربه خوردن به نیروهای مبارز تنها به سکوتی یکساله مانند سکوت امام علی علیه السلام دست زدند و پد افرادی که با ایشان برخورد کرده و علت جدا شدن را سؤال میکرده اند میگویند علت با بجا ثابت میکند که واقعیت چیست کما اینکه افرادی که از نزدیک با آنها آشنائی داشته و برخورد پیدا کرده بودند و نیز شرایط سهنگین شکنجه و مقاومت های بردان دستگیر شدگان نمونه زنده ای از واقعیت میباشد .

در چند ماه اخیر اکثر دانشجویان و کارمندان مجرد صبح که از خواب بیدار میشوند با ناله ای کوچک از کلانتری محل بیدار میشوند که دوست تیز لفظا ساعت تلان با جناب سروان تلان در کلانتری محل ملاقات کنید در ملاقات از آنها سؤالاتی در مورد کار و درس ، پدر مادر و آدرس صحیح منزل میسازند این کار در سطح نسبتا وسیع انجام گرفته و با در نظر گرفتن قوانین جدید مالک و مستاجر صحبت از منحل کردن پنجاه ها معامله ملک و شرکت آنها در یک واحد دولتی یا تحت نظر مستقیم دولت گوشه ای از برنامه ریزی برای مقابله با رشد جنبش سلحشورانه خلق میباشد در اوائل سال ۵۴ محله های چیدر ، حکمت ، و احتلال قیطره محله گردی شده است ( توضیح اینکه این محلات جزو محلات ایمان نشین تهران است ) توضیح - پد نیال لورتن به خانه تیمی سازمان چریکهای خلق در تیر ماه در کرج ( که در جریان حمله پلیس به آن پنج عضو این سازمان به شهادت رسیدند ) و بعضی از اطلاعات و اخباریکه بدست ساواک افتاده است مبنی بر اینکه انقلابیون جهت ادامه فعالیت خویش در شرایط پالیسی حاکم گاهی مجبور به استناد به از تظاهر به وابسته بودن خویش به طبقات مرده اجتماع هستند ( محلی که برای اجاره خانه کرج بکار رفته بود که خود را وابسته بیکی از خانواده های متشخص جلوه داده بودند رژیم موضعی برای ضربه زدن به مبارزین پیدا میکند رژیم از اظهار این مسئله در سباحت خلیل فقیه دزفول خاشن دو هدف را در نظر داشته است اول اینکه با تبلیغات و دروهای سرم آور خویش سعی در لوٹ کردن و پایسال کردن ارزشهای اخلاقی انقلابیون داشت دوم ایجاد حس عدم اعتماد در جامعه جهت مشخص شدن انقلابیون از مردم عادی و دادن دید در این زمینه به مردم بود .

**تصادف این جریان نیز با براه انداختن تبلیغات دیگر**  
 یعنی بر مبارزه با فساد اخلاقی و مراه مخدر دست روی  
 انگیزه هائی گذارد که از نظر اجتماعی مورد نگرش جامعه  
 مردم است تا بدینوسیله با تکیه بر حمایت جامعه به اجراء  
 برنامه های تاکتیکی سرکوب انقلابیون بپردازد که این شد  
 نشان دهنده شکست برنامه قبلی رژیم در مورد جلب  
 پشتیبانی مردم در مبارزه با انقلابیون میباشد ( قبلا  
 محور اصلی تبلیغات رژیم ضد مردم چاره دادن انقلاب  
 بیرون با تکیه بر تبلیغات، مثل بانک زدن به آثار منافع  
 شخصی، آدامکسی، تروریسم گور... بود ) که ایس  
 باعتباریگردد که هر فرد پا دیدن چند نمود منکوک در  
 منزل همسایه یا محله خرابتر فرما بر مراد مخدر یا  
 فساد اخلاقی قرار داده و پلیس را در جریان قرار دهند  
 در اینجا باید توضیح داده شود که در طی اجراء  
 برنامه فوق رژیم سعی در همه جایش و عام بودن مسئله  
 در سطح جامعه کرده که مثلا پس فلان شروتند مشهور  
 ، چندین معروف، یا چند دانشجو... در نریاک  
 خانه دستگیر شدند که بدینوسیله در اذهان عامه مردم  
 شک به هر فرد خواه وابست به قشر های مرفه و خواه  
 افراد عادی را ایجاد نماید \*

بر مبارزین است که با شناختن سنگ و آناه ساختن  
 مردم در اینگونه زمینه ها به رسوا نمودن و خشنی کردن  
 نقشه های ساواک در مبارزه با انقلابیون بپردازند \*

۳- ساواک در تعقیبات خود از دوربینهای چشمی  
 استفاده میکند که قادر است از مسافتی دور بدون آن  
 که حتی فرد متوجه باشد وی را تحت نظر قرار دهند  
 که نمود هائی از آن عطا دیده شده است ( منجدله ساعت  
 ۳ بعد از ظهر روز ۴ آبان يك پیکان ساواک با سه سر  
 نشین در جلوی مسجد حضرت ابراهیم در خیابان تاج  
 ایستاده بود و با دوربین بزرگی بدون سعی در مخفی  
 کردن خود مشغول شامای محلی بودند )

توضیح - در رد تعقیب کردن باید به این مسئله  
 توجه داشت صرف این مسئله که با کسی را در دید خود  
 نمی بینیم و کسی پشت سر ما نیست کفایت نمیکند چه  
 با کسی که در فاصله ای دور از دید متوجه فرد باشد که  
 البته کنترل فرد هم از این فاصله دور امکان کم شدن  
 وی و فرار از دید ساواک و نیز بهره گیری از امکانات  
 بیشتر نظیر بیسیم را برای تمییب کننده دارد که تنها در  
 موارد نسبتا مهم از این گونه روشهای پیچیده تر استفاده  
 میشود \*

بازها دیده شده که نردی که دارای تجربه هم بوده  
 و پیوسته مترجه رد تعقیب از ساواک برده است در هنگام  
 دستگیری توسط ساواک همسایگی از وی در مسافتی  
 مناسبان داده که ری مترجه گرفتن آنها نبوده است  
 با در داخل منزلش از ری عکس گرفته اند ( البته نه اینکه  
 هر داخل خانه دوربین یا ضبط صوت کار گذاشته باشند  
 بعد با استفاده از خانه همسایه یا افرادی که سمیاتی با  
 ساواک دارند استفاده کرده اند ) لذا در خانه باید  
 از محلهای استفاده شود که در دید پنجره همسایگان

به ها و افراد خارج از منزل نباشد و نیز عدت این گونه  
 عکسها و ردها که از نرد گرفته میشود و در دستگیری  
 ناهی به وی نشان میدهند عدت را برای ایجاد وحشت در  
 وی و غیر نشان دادن ساواک و اینکه همه چیز را میدانیم  
 حتی در حیاط منزلت از تو عکس گرفته ایم \*\*\*\*\*  
 که علاوه بر این نادر بوده اند که با هوشیاری و بکار  
 بردن روشهای خود را حفظ نمایند \*

۴- شناختن يك متره رسوا تریل ۱۲۵ یا ما از زیر  
 پلی در خیابان فابری مسجد در تابستان ۵۴ عبور  
 میکرد پلیس برای فرمان ترس میداد ولی وی که گرامیناسه  
 نداشته سعی میکند که فرار کند لیکن در تیر اندازی  
 پلیس زخمی و دستگیر میشود و بعد معلوم میشود  
 نردی عادی برده است \*

۵- نرد برنگشته ای که از ترس والپارها همسایگان  
 در بر بنان میآید یا در ماشین خود در کنار همسایگان  
 میتراید ، تا کتون چندین بار توسط گمشدای ساواک  
 دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفته و هر بار نظام دستگیری  
 پلیس با مزبگیری و سیاه بازی با بیسیم با کمیته تماس  
 گرفته و گفته شد مردم نزار را دستگیر کردیم و چند مرتبه  
 نیز بد کمیته برداشته است \* ( تابستان )

۶- در سپهر ماه حدود ۱۰ بهار یا پنج پناه ۱۲ تا ۱۳  
 سال از نرد ساواک بازداشت شده اند اخیر دستگیری  
 آنها آنگاه غیر مرتبه بوده که واندین پند با شرکه شده  
 بودند \*

۷- افرادی که در کمیته ناز میزند حفری خود را از  
 بانک ملی منسبه روزه در خیابان سپه میزنند و شریک آن  
 را هم محضرا نکاد رهای یاتین از نرد شده بزرگ سپه  
 ( انکا ) در خیابان سپه زیر بری ثبت انتقال کل میکنند \*

ترشیح - تحلیل فقیه در فرقی نشان هم بطوریکه گفته  
 شدن در جلوی زمین فرودگاه دستگیر شده است \* در  
 رفت آمد در شهر به اینگونه مراد باید توجه داشت \*

۸- دو نفر که پس از آزادی از زندان مخفی شده  
 بودند و پلیس هم شیدا روی آنها سراسر بوده برای  
 انجام کار لازمی بجز به رفتی به حدود کمیته میفرستند  
 که نادبان یا بازجوی سابق نرد برشورد میکنند \*

آنها که مسلح بودند (باز در دم از این مسئله مطلع برده  
 فرار از دخل دور شده بعد از لالزارک دخل شلوفی است  
 رفته در همان جمعیت کم میزنند زبان بزدیم که در ردی  
 آنها را دیده بود به وجه عکس العدل شدید نشان نمردند  
 ۹- اواسط پانز دو فرد مخفی مسلح هنگامیکه برای  
 تمرین موتور سواری با يك موتورسیکلت به طور دو ترک به  
 خارج از شهر میروند بدون آگاهی از آلود بودن محلی  
 شناختن تمرین میگردند ( چندی قبل آمده ای در آن  
 دخل مراد متفجره شریک کرده بودند و ساواک روی آن  
 ناحیه نسبتا حساس شده بود ) و با موتور در کوه و تپه  
 شرح به بالا و پائین رفتن میکنند که مترجه يك ما بیسن  
 آریای آبی رنگ منکوک با دو سر نشین میفرستند \* برای  
 اطمینان از تعقیب نیز طبیعی جلوه دادن ورودشان  
 به آن ناحیه ( که ساواکها را ختام کرده و باعث شود تا

در فرصت مناسبتری اقدام به درگیری نمایند ) و از  
 دیگر کمیدن ساواکها به محلی خلوت ( که در صورت  
 درگیری امکانات ساواک مانند استفاده از اتومبیل یا  
 داخله افراد عادی در مسئله محدود تر گردد ) وارد  
 بیراههای میگردند \* ساواکها تا حدودی که امکان  
 داشت با حفظ فاصله ای زیاد برای اینکه در تیر رس  
 قرار نگیرند بدنیال آنها میروند ، لیکن موتورسوارها  
 از تعقیب اطمینان حاصل کرده و تا حدودی به شهر  
 نزدیک شده بودند از محلی که امکان عبور برای اتومبیل  
 وجود نداشته و رداره اصلی میگردند و نفر صبی آواره  
 مقابل گشته و تا حدودی نیز این مسئله را وانمود میکنند  
 که قصد حمله دارند و با سرعت بطرف شهر حرکت میکنند  
 اتومبیل ساواک از تعقیب صرف نظر کرده اجازه فرار به آنها  
 میدهد در حالیکه از نظر کنش اتومبیل و امکان حمله  
 ( چون در پشت سر موتور سوارها قرار گرفته بودند )  
 موقعیتی مناسبتر برخوردار بوده اند بحالت عدم دسترس  
 به امکانات وسیعتری که در شهر از آن برخوردار هستند  
 با اینحال جرات حمله بخرد نداده و خود را پشتر فری  
 اندازند \*

توضیح - مواردی نظیر فوق بکرات دیده شده است  
 که هنگامیکه عناصر کثیف ساواک خود را در موقعی ضعیف  
 و حتی برابر با انقلابیون دیده اند سعی در درگیری  
 شدن و بخاطر انداختن خود ننشود از محرکه میگریزند  
 و این بر اثر فداکاریهای انقلابیونی است که در درگیری  
 بهای تاکتیکی ( زیرا درگیری استراتژیکی خود جریان  
 مبارزه را تشکیل میدهد ) نه تنها نثار جان میکنند  
 نورزیده اند بلکه تنها بفکر وارد آوردن ضربه ای هرچه  
 سهمگینتر بر دشمن بوده اند \*

۱- طالبه ای که در جریانات سال گذشته هم مخفی  
 شده بود ( نت در ارتباط با سازمان یا گروهی چون  
 مخفی شدن بحالت سنگینی محکومیتها دیگر بصورت يك  
 سنت در آمد است ) در بار بحالت  
 دشکر شدن توسط ساواک قم دستگیر شد همتی نام  
 واقعی نرد را گفته لیکن بحالت شلیغ بودن و عدم مرکزیت  
 ساواک مترجه تحت تعقیب بودن وی نگردیده وی را  
 آزاد مینمایند \*

۱- نردیکه با نام و نام خانوادگی دیگری بجز آنچه  
 در شناسنامه اش برده در دستخط کار شناخته میشود -  
 است ، و در ضمن بحالت انجام امور رسمی که لازمش  
 استفاده از نام و شناسنامه میباشد همه نام حقیقی او را  
 هم میدانسته اند ، و بار توسط ساواک دستگیر شده  
 و هر دو بار با نام دستتار خود معرفی گردیده  
 و حتی با همان نام مستعار دعاکنه و محکوم بزندان نیز  
 گردیده است که در هیچیک از دو مورد ساواک متوجه  
 مسئله نگردیده است \*

توضیح - اطلاعات ساواک از چنینی و حتی سردی  
 هادی همد تا بر اساس اعتراضات خود فرد و دیگران و  
 ندرتا نیز از تعقیبات ( که تعقیبات تنها ظاهر یک  
 مسئله را نشان میدهد که فلان روز فلان که به فلان مکان



رفته نه اینکه بپه گفته و چرا رفته) میباشد. \* و این بعلمت نداشتن پایگاه طبقاتی در میان توده مردم میباشد در حالیکه اطلاعات بسیار ظریفی از زندگی عادی رزادی (پولس، سناتور ها، روسای عده ادارات، وزیرا... دارد و این بعلمت ماهیت طبقاتی وی میباشد که پایگاه مابقیاتیش برپرزازی کمرادور بوده و لذا از این طبقه میتواند اطلاعات دقیقی داشته باشد.

۱۲ - چندی قبل هنگامیکه دو فرد مخفی که شدیداً هم ساواک برای دستگیری آنها تلاش میکرد و عکس آنها هم در لیست قرارها بوده وقتی برای انجام کاری وارد کرچه بخا هر بن بستی میگردد (در یکی از شهرستانها) بعلمت رفتار نامناسب از نظر دزدی مورد شک شخصی فرار میکنند (کعبعدا محرز میشود این شخص از عناصر ساواک است) اتفاقاً چندی قبل دزدیهائی در این محل صورت گرفته و بمنزل همین شخص هم دستبند زده بودند لذا اهالی محل نسبت به افراد ناشناس حساس بوده اند به این ترتیب فرد ساواکی بکله اهالی اقدام بدستگیری آنها مینماید. \* پس از دستگیری و بازرسی بدنی يك كارد شکاری از جیب یکی از آنها بدست میآید، برای توجیه همراه داستان کاردا و میگردد "راننده هستم و از ترس اینکه مسافرین مرا بد بیابان بکشاند و دخلم را خالی کنند این کار را همیشه با خود همراه دارم شخص دستگیر کننده میگردد پس فهم که سازمانی هستم لابد باید همیشه مسلح با خود حمل تمام " بهر حال دو فرد مخفی برای محارم نمودن مسئله سیاسی بطور غیر مستقیم میگردد که هدفشان دزدیدن وسائل مختصر اتوبیل بوده و باز ایشان میآید که دستبندترین کاری زده اند.

در کلانتری و آگاهی از آنها انگشت نگاری میکنند (اثر انگشت آنها بعلمت سابقه های سیاسی و غیر سیاسی هم در ساواک و هم در شهرداری وجود داشته است) هنگام بازجویی در آگاهی و کلانتری بعد از کتبهائی که میخورند با گفتن نام جعلی و محلها تیکه قبلا داشته اند و در فرصت های مناسب میگذارند میتوانند مسئله را يك دزدی ساده جلوه داد و چون اظهار داشته بودند که سابقه دزدی هم ندارند پس از يك شب خوابیدن در زندان با پرداخت جریمه نقدی در دادگستری آزاد میشوند.

توضیح سه مسئله اثر انگشت که اینهمه روی آن تبلیغ میگردد تنها از نظر تطبیقی در تعدادی محدود قابل استناد میباشد یعنی در آگاهی میگویند نامت چیست و برای اینکه ببینند فرد سابقه دزدی دارد یا خیر در لیست اسامی زندان و پرونده های آگاهی نگاه میکنند نه اینکه اثر انگشت وی را در میان آثار انگشتی که از افراد سابقه دار وجود دارد جستجو کنند (مثلا این کار غیر ممکن است) بلکه تنها در مواردی مثل اینکه در محلی حادثه ای یا دزدی ای رخ داده و اثر انگشت دزد پیدا کننده باشد و سپس با افرادی مظنون شوند آنها را دستگیر کرده در صورت اقرار نمودن آثار

انگشتشان را با اثر انگشتی که بدست آورده اند تطبیق میدهند که تازه آنهم ابتدا سعی میکنند از خود افراد مثلثون اقرار گیرند.

پارها دیده شده که افرادی که اثر انگشت آنها در ساواک و شهرداری مورد بوده و بعلمت بعضی برخوردارها کارشان به آگاهی و کلانتری کشیده شده و بهسراسری تکمیل پرزنده هم از آنها انگشت نگاری هم شده با گفتن نام جعلی متوجه سابقه سیاسی و غیر سیاسی آنها نموده و آزاد گردیده اند.

از طرف دیگر در حالیکه سعی در مطلق نشان دادن قدرت خرید در جامعه دارد (مفحه حوادث ریزنامه ها همیشه پرامت از دستگیری قاتلان، دزدان،...)

پارها و بارها ما شاهد چنین برخورد هائی بوده ایم که نمذیر مورد فوق عناصری از ساواک نیز در برخورد قرار گرفته اند (احتمال زیاد فرد ساواکی فوق مکس این دو نفر را بعنوان فراری دیده بوده است) لیکن بعلمت عدم مرکزیت و مطلق نبودن رژیم و دستگاههای عریض و طولیش که تنها در ذهن این مطلق بودن وجود دارد نه در واقعیت. \* مبارزین قادر گشته اند از تره های پلیسی فرار نمایند. \* و این تنها در پرتو هفت صبح که ناشی از تجربیات یعنی از چگونگی روابط داخلی رژیم و جامعه امکان پذیر بوده.

۱۳ - در تابستان شخصی را در خیابان دستگیر کرده تحت شکنجه و آزار قرار میدهند که هرچه میدانی باید بگویی تا چند روز این عمل ادامه داشته تا اینکه میبینند کارشان بی نتیجه است بعداً مشخص میگردد که طغ مشرک شدن در خیابان کت پوشیدن در تابستان و پشت سر را مرتب نگاه کردن بوده است. سپس فرد فوق آزاد میگردد.

۱۴ - در خیابان پهلوی در اوائل پائیز دختری که چادر مشکی بسر داشته و ساکی درست داشته مورد شک کتبهائی ساواک قرار میگردد که در خیابان اقدام به گشتن ساک وی مینمایند که بیشتر بوده است.

۱۵ - در آبانماه فرد دیگری را دستگیر میکنند (در خیابان مشرک میزند) که بعداً مشخص میگردد بعلمت پوشیدن کفش راحت و بیصدا بوده است.

۱۶ - در خیابان سیروس تهران در آبانماه کشتی های ساواک به شخصی مشرک میزنند که مشغول تعمیر ماشینش بوده، او بارانی سفید بتن و هینک چشم داشته و يك سسری سؤال جواب از او میکنند و میگویند کجا میخواستی بری؟ و او میگردد بسینما بکدام سینما؟ و بالاخره وی را نامینما همراهی میکنند.

توضیح - اگر هر کدام از کتبهائی ساواک موفق به دستگیری يك فرد فراری گردند پنج هزار تومان پاداش بهر يك از آنها تعلق میگردد.

۱۷ - دختر جوانی هنگام رفتن بخانه دوستش از طرف کشتی های ساواک دستگیر میگردد از وی میپرسند از کجا میآئی بکجا میری، چکاره هستی، برای چه بمنزل دوست

میری، درستت چکاره است، آدرس منزلت چیست و... و چون محل نزدیک بخانه دوستش بود برای اطمینان بخانه دوستش میروند و البته برای وارد شدن به خانه نیز خولی با مراقبت و حساب شده و آماده حمله که مبادا کلکی در کار باشد و نیز برای اطمینان بیشتر از وی میخواهند بخانه خودشان غلظ کرده و در حضور مامورین با خانواده ارض صحبت کنر سپس وی را آزاد میکنند.

۱۸ - از اوائل اسفند به بعد بعضی شبها بطور ناگهانی ساواک قم به مدارس حیره علیه ریخته و وارد حجره ها شده بعضی افراد را دستگیر کرده و از بعضی سئوالاتی میکنند. در این یورشها حجره ها هم مورد بازرسی قرار میگیرد. و نیز رهزها اطراف مدرسه حفظی دانشا مامورین ساواک حضور داشته آمد و رفت را کنترل میکنند تا شاید ردی از جنبش بدست آورند.

۱۹ - ۲۳ آبان عده ای از دانشجویان بکوه های شیران میروند که بعلمت طرفان شدید و کم کردن راه یکی از دانشجویان شهیدی بنام حیدر خاندان اکبر طوسی در کوه در اثر انجماد در میگذرد بقیه آنها فردای آن روز بعلمت وضع نامساعد پا به در مانگاه میروند وقتی علت ناراحتی پا که همراه زندگی بود روشن میشود ماشین پلیس بد مانگاه آمده پنج تن از آنها را دستگیر و بقید بوسائل مختلف از بیمارستان فرار میکنند.

چهارشنبه ۲۰/۱۲/۵۴ در خیابان شاه عباس واقع در خیابان عباس آباد يك زن و شوهرش که حدود ۴۵ سال داشته است مشغول خرید کفش بودند که زن متوجه میگردد پولش در کیفش نیست بزن جوان دیگری که بهمراه نامزد خود برای خرید آمده بودند مشرک گشته باو تهمت میزند که پول مرا تو برداشته ای زن جوان ناراحت میگردد و در این بین نامزدش که در بیرین مغازه بوده وارد مغازه گشته با شوهرش زنی که پولش کم شده بود وارد نزاع میگردد و سیلی به صورت وی میزند. \* مرد کتیف ۴۵ ساله که جریان را

چنین میبیند و زورش بجوان نمیرسد بسیار ناراحت شده و سلاح کمری خود را بیرون کشیده و سر بعقب جوانک میگذارد که جوانک قصد خارج شدن از مغازه را میکند. \* مرد کتیف با قواوت قلمب هر ساواکی مزدور پا تیر مغز جوان را متلاشی میسازد که وی در جا کشته میشود. \* پس از این جریان مزدور همد خلق قصد فرار داشته که توسط مردم دستگیر گردیده و زن و مرد کتک مطلقوی زند و تحویل کلانتری میشود بدیهی است ریزنامه های حیره خوار رژیم در چنین موارد سکوت کرده و بنظیفه نگرکی خویش را بجا میآورند در حالیکه رژیم با بوق و کرنا گوش مردم را کر کرده و پیروسته دم از انسانیت میزند و امثال شهید محمد شاه کرسی (که برای صدها زندان پس دم نارنجک را در شکم خود گرفت) و واقعاً لاله زار را دزدی جلوه میدهند يك نوکر حیره خوار کتیف بصرف يك نزاع محمولی سلاح خویش را روی مردی طادی کشیده و از آدم کتبی

یاد ندارد.

۱- در اوائل سال ۵۲ رژیم سازمانی نظامی بنام ارتش نوجوانان تشکیل داده که در این سازمان چنانچه کتر از ۱۸ سال را برای احراز پستهای پایین ارتش در آینده تربیت میکند مقر و محل تعلیماتی این ارتش پادگان لشکر واقع در شمال شرقی تهران است .  
 دوره ارتش نوجوانان در سال بیاشد که سال اول ۵۰۰ تومان و سال دوم ۱۲۰۰ تومان حقوق دارند و باید در ابتدای هرید مدرک سیکل به بالا را داشته باشند . در هشتینج ریز خدمت کرده که سه ریز آن فقط دروس کلاسیک یعنی چهارم و پنجم متوسطه است .  
 دو ریز باقی مانده را تعلیمات ارتشی و نظامی فرا می گیرند . دانش آموزان شبانه روزی بوده و در هر سه ماه ۱۵ ریز مرخصی میکنند و سالیانه نیز از ۱/۵ ماه مرخصی استفاده میکنند . پس از پایان دو سال درجه گروهان دومی میگیرند . تا کثون دو دوره در این سازمان پذیرفته شده اند .

توضیح - چون کادرهای پایین ارتش اکثرا از طبقات محروم جامعه بوده که بعلمت محرومیتهای اجتماعی صرفا بخاطر مسائل مادی وارد خدمت ارتش میگردد ، لذا رژیم در درگیریهای آینده اعتماد چندانی به آنها نمی تواند داشته باشد . لذا هدفش از ایجاد چنین سازمانی تربیت افراد از سنین نوجوانی برای تأمین کادرهای مطمئن در کادرهای پایین ارتش است .  
 در ارتباط با این مسئله رژیم سعی دارد با ایجاد وابستگیهای اقتصادی در کادرهای بالای ارتش آنها را به حفظ وضع موجود و امنیت داخلی بر اساس منافع فردیشان بخریزد پیش از آنکه متذکر شود ( عملا در سطح کل ارتش این برنامه قابل اجرا نبوده و رژیم تنها قادر خواهد بود شمار بالای ارتش را تا حدودی صادقانه بخدمت خویش درآورد ) مثلا مقدار زیاد از زمینهای شمال کشور خصوصا مناطق جنگلی ( که بزرگی در چند سال اخیر بسیاری از مناطق جنگلی که از نظر موقعیت مرئی الجیبی دارای اهمیت میباشد تراشیده شده و تبدیل به اینگونه زمینهای زراعی گردیده است ) را بین ایشان تقسیم کرده و با ایجاد شبکه راههای فرعی و مناسب در این مناطق هم زمینها را اقتصادی و قابل استفاده ساخته و هم باعث گسترش کنترل پلیسی بر این مناطق شده است . و بر اثر این برنامه تضاد مستقیم بین منافع اقتصادی کادرهای بالای ارتش از یکطرف و نفوذ احتمالی آینده انقلابیون از طرف دیگر در منطقه صورت الجیبی بسیار با ارزش شمال ایجاد میگردد .  
 این مسئله در حد بسیار شخصی در مناطق بین راهی و چالوس مثل کلاردشت که دارای جنگلهای وسیع و منطقه ای گرهستانی است به چشم میخورد .

۲- جدی قسبل یک سری کتابهایی که از نظر ارتش تواندن و نگهداری آنها برای ارتشیان ممنوع است . به صورت یک لیست به ارتشیان داده میشود . کتب دکتر علی شریعتی و بعضی کتب مذهبی و بنامان سرپرستها شامل دیگر نام یک سری کتابهای مزخرف و سندسی هم

در این لیست دیده میشود . ( این لیست به افراد نیروی هوایی هم داده شده است )  
 ۳- بدنبال انفجاریک ایتبار مهمات در پادگان مراغه در ماههای اول سال ۵۴ و خسارات هنگفت - صحبت از انفجاری جدید در یکی دیگر از پادگانهای آذربایجان در آبان ماه میشده است ، که در بین مردم شایعاتی مبنی بر کشته شدن چهار صد نفر بوده است .  
 ۴- اخبار زیر در جریان حدت مسئله ظفار در پائیز ۵۴ جمع آوری شده )

الف- اعزام سرباز و درجه دار بسرمین جنگ زده ظفار در سطح وسیعی انجام میگردد و این کار توسط دولت وضع طنی بخود گرفته است و چون تلفات این جنگ بخصوص برای دولت ایران سنگین است یک نوع تراضیاتی وسیع در سطح صوبی از اینکار ایجاد شده است .  
 اکنون خانواده های زیادی صبران یافتند که یکی از اعضای وابسته بخود را در این جنگ از دست داده اند . در شروع کار ارتش سعی در تحویل دادن اجساد بخانهزاده هایشان میکرد ولی اکنون اینکار بعلمت تلفات زیاد دیگر انجام نمیگردد و خانواده ها بهر ترتیب سعی در فرار بچه هاییشان از خدمت سربازی دارند .

۴- اواخر مهر ماه در حین عبور آبولانس های شامل اجساد مقتولین ظفار از ناحیه شهساز مردم زبادی در سرکچه ها و با زار جمع شده و مدای خبیسه و گریه بلند بود از قول یک زن که پسرش همین روزها به ظفار میبرد . میروم هر طوری شده جلوهش را می گیرم نه بان سی هزار تومن نه اینطور بچه های مردم را میکنند .

۵- در مورد جنگ ظفار دیلمه و ذلیفه ای که از جنگ ظفار برگشته بود تعریف میکرد که روحیه سربازان ایرانی بسیار خراب است . جمله های برق آسا و ناگهانی چریک ها و سر بردن پلا استنها دشمن توسط آنان خورد و خواب را بر آنان حرام کرده به طوری که هنگام ناهار خوردن از ترس جان تنگ را به روزه قراول میروند . در هنگام خدمت این دیلمه یکی از تیساران امرای ارتش ایران که برای نظارت بر جنگ به ظفار رفته بود هنگام پیاده شدن از هلی کوپتر در منطقه در حال جنگ برسپله یک ماده منفجره ( احتمالا دینامیت ) ترور میشود . او میگفت تعداد ثانات هم خیلی زیاد است ( همراه )

توضیح - رژیم ضد خلقی ایران بارها ادعا کرده است که جنبش آزاد پیبخش خلق ستندیده ظفار را یکسک مزدوران سلطان قابوس از بین برده . اینگونه دروغ های وتیحانه که تنها خاص امپریالیسم و سرسپردگان از دیپلمات را باره سسسا شنیده ایم . در بولیوی دیدیم که بیس از دهها بار اعلام داشتند چه گوارا کشته شده و پانزده روزه وقتی واقعا کشته شد کسی باور نداشت و یا خبر نداشتی مبنی بر برتری نرفی اسرائیل در فلسطین و یا ظفر بیخرا از حد بعضی اخبار بنفع اسرائیل و یسسا

اخباری مبنی بر شکستن ستون فقرات تشکیلات خرابکارا توسط پلیس که بارها و بارها در روزنامه ها عنوان کرد است .

ولی مبینیم هنر خبر سرکوب جنبش ظفار مرکبش در روزنامه ها خشک نشده خبرهایی مبنی بر وجود خارجی داشتن جنبش ظفار را در روزنامه ها مبینیم .  
 بنجله کیهان خبر از شرکت نمایندگان شورشیان ظفار در جلسه ای در عراق را میدهد ( کیهان مورخ ۱۲/۲۰/۵۴ ) . و عملا رژیم شروع کرد به ایجاد زمزمه های مبنی بر ورود داوطلبان کربانی به یمن جنوبی جهت از سرگیری ادامه خرابکاری تا بدین وسیله در گریه های آینده خویشترا در منطقه موجبه جلوه دهد و ادامه جنبش را شروع تازه ای بسویله سربازان کربانی نشان دهد .

۶- از یکی از شهرستانها سوار گریه شدم تا به تهران بیایم . دو سرباز نیز در جلوی گریه نشسته بودند ( که بعد معلوم شد بچه شهر بوده و حداقل حدود سیکل اول درس خوانده اند ) میگفتند که شش ماه در ظفار بوده اند و خیلی بآنها سخت گذشته و تحریف میکردند که هر ماه خوانندگان معروف مثل هاید ، گوگوش ، عارف ، برای سربازان برنامه اجرا میکنند .

سعی کردم آنها را بصحبت بکشم لیکن پس از یک ربع که از حرکت مانسین میگذشت سربازان سیکارهای مخصوص خود را که توتون آن مخلوط با حشیش بود کشیدند یکی از آنها کت اینهم یادگار ظفار است و بحال خلصه رفته و کوشش مرا بی نتیجه گذاردند .  
 بیاختیار بیاد گزارشاتی افتادم که طلبوعات خارجی هر چند بیکبار از وضع ناسد های داخلی ارتش آمریکا در ویتهام تهیه میکردند که حاکی از اعتیاد اکثریت قریب بانفاق آنها بود و اینکه چگونه یک ارتش بپریا - لیستی بعلمت ماهیت خود دچار چنین مسائل میگردد و قادر به ادامه یک بیکار شد خلقی نیست .

۱- در یکی دو هفته اول آبان در دانشگاه علم و صنعت اعتصابی نه چندان بزرگ به پشتیبانی از مردم ستندیده شمیران صورت گرفت .

توضیح - این مسئله نمودی از رشد سیاسی جنبش دانشجویی میباشد که لزوم پیوند خوردن ، پیشاهنگ را با توده مردم حس کرده و درک میکند . دو سال قبل نیز دانشجویان دانشگاه تبریز به پشتیبانی از اعتصاب رانندگان شرکت واحد تبریز اقدام نموده بودند که تاثیر زیادی در شهر بجای گذاشته بود .  
 ۲- در ۲۵ مهر صبح روزی که قرار بود برای زنگه در تالار خواجه رشیدالدین فضل ۱۰ دانشگاه تبریز آواز بخواند ، این تالار طعمه تریق گردید و صی سوزد . شایع شده بود که منقعه محله میباشد ، لیکن روزنامه ها نوشتند که در اثر اعمال سیمهای برقی بوده است یعنی کارگرانی که برای آداب کردن سالن آمده بودند انداخته های مخرب بد بهار کوبیده و باعث انفجار و آتش

سوزی در دیده است \* وسعت خریق پدی برده که  
حدود پانزده میلیون تومان خسارت بیار آورده است \*  
بنامات مسئول همان شب ترتیب نمایش را در کاخ جوانان  
تهربز میدهند \*

توضیح - با ظهور طبقه جدید پرورازی که برادر در  
ایران (سرمایه داری وابسته) و متناسب با استقرار  
زیربنای تولیدی آن از سال ۱۳۰۶ بعد فرهنگ و -  
روناهای آن نیز در ایران به پیدایی در میآید و شکل  
میگیرد ، ز نمد های عینی آنها میتوان در رونا های فر-  
هنگی نظیر تالار رودکی ، کلوب زرتنا ، انجمن طرنداران  
گل ، ورود سیل آسای مد سازان خارجی به ایران و اجرای  
نمایش های مد بطریق رم و پاریس و لندن در هتل هائی  
نظیر هیلتون ، شرایتون و حتی سرایت آنها به شهرهای  
مهم نظیر تبریز ، مشهد ، اصفهان ، شیراز (نمایش  
مدی که اخیرا در پنج شهر فوق برگزار شد ) \* \* \* \* \*  
و جشن هنر ( که در اوائل برگزاری این جشن در سال  
۵۱ در نمایشی بنام شهر قصه فرهنگ سنتی ایران بباد  
تسخیر گرفته شده بود ) می توان مشاهده کرد \* پریزنگه  
هم یکی از خوانندگان این طبقه است که در تالار رودکی  
برنامه اجرا میکند و با وجودی که ناپهنایمت تعصبات  
آواز خرد را در اطریش ، آلمان ، سرس گذرانده و بیستیا  
شروعند میباشد یکی دیگر از این خوانندگان شیر وکیلی  
خواننده اپراست که زن عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور  
و سرپرست سازمان برنامه یعنی یکی از حساسترین  
پستهای دولتی است \*

از نظر اطلاعاتی قابل توجه است که این مراکز و محفل  
های پرورازی که برادر در عموما در یک ارتباط با دربار دنیا  
شند \* ولی در مقابل رشد فرهنگ طبقه حاکمه فرهنگ  
مردمی هم روند میباید و بازرش و غنی تر بشود \*  
فرهنگی که ضد پهنکها در آن جای دارند  
۳- سال گذشته هم زمان با ایجاد حزب رستاخیز  
دانشجویان مدرسه عالی اراک دست به اعتصاب علیه  
برنامه های دانشگاهی میزنند و در این واقعه کسه  
ضرب به دستگیری عدنان از دانشجویان میشود و شیعه  
های دانشکده خرد میگردد \* دستگیری دانشجویان  
به این ترتیب بوده که در خیابان هرکه حدس بزند  
دانشجراست دستگیر میگردد \* در این اعتصاب  
دانشجویان به خیابانها میگریزند و شعار میدهند و  
مردم نیز با آنها همراه میشوند این واقعه هر زمان با کشته  
شدن ۹ نفر از زندانیان برده که برادر یکی از شهدادر  
این دانشکده درس میخواند \*

توضیح - علی رغم برنامه رژیم یعنی بر جداسازی دانش-  
جریان از مراکز پژوهش و محبت و کوچکتر کردن واحد های  
دانشگاهی ( مانند برنامه انتقال دانشکده فنی به امیر  
آباد ، جلوگیری از مرکزیت یافتن دانشگاه تهران ،  
جلوگیری از گسترش دانشجویان دانشگاه صنعتی و  
انتقال دانشگاه به اصفهان ) \* \* \* \* \* بتدریج با کشته  
شدن تلامذات دانشجویی به مراکز و واحد های کوچکتر

دانشگاهی ، شاهد ارج گیری اعتراضات قهر آلسرد  
فرزندان خلق برده ایم \*  
۴- بیانیه های سازمان مجاهدین در حد نسبتا  
صیحی در مراکز دانشگاهی مدتها پخش گردید \*  
توضیح - در حالیکه توده مردم اصولا با چنین مسائلی  
درگیر نبوده و حرکات کارگری حد اکثر در حد و اعتراضات  
ضات صنفی محدود میگردد ، کنشاندن جامعه  
روشنفکری به این مباحث خود نشان دهنده فاصله عمیق  
خلق و پیناهنگ میباشد ، که مبارزین بجای کشیده  
شدن باین گزین مباحث و درگیریهای درونشی  
وظیفه دارند با گذشتن از بسیاری مسائل غیر مهم  
و جهت گیری ، از بین بردن این فاصله به هر کردن  
این فاصله کک نمایند \* خصوصا نکته مهم دیگر که در  
بیانیه پنجم میخورد مساله غیر قابل لمس بودن بسیاری  
از تحلیل ها و مقالات بیانیه مثل مقدمه ای بر اصلاحیه  
وحدت و نیز بعضی مباحث و قسمتهایکه صرفا جزو  
آموزش داخلی سازمان بوده و لازمه درک آنها یک سری  
آموزشهای سیاسی و ایدئولوژیک میباشد و علا برای  
انگیزش قریب به اتفاق قشر روشنفکر نیز غیر قابل درک  
بوده است که خود باز نشان دهنده فاصله عمیق تجری  
و سیاسی بین جامعه روشنفکری و پیشخروان مبارزه میباشد  
پس از شهادت برادر " مهدی امیر شاه کرمی "

که دانشجوی دانشگاه صنعتی برده دانشجویان این  
دانشگاه اعلامی دست نویس در تجلیل از وی منتشر  
نمودند \* وی بعلت خصوصیات ارزنده و شخصیت بارش  
در میان دانشجویان مبارز و بسیاری از اهالی اصفهان  
محبوبیت داشته است \*  
محمد امیر شاه کرمی پادشاهی که در ۲۸ بهمن ماه در  
خیابان شان مهر شهید گردید برادر شهید مهدی بود  
زمانطور که از اعلامیه بر میآید برادر در سال ۵۱  
بعلت شرکت در تظاهرات علیه نیکسون بازداشت شده  
و مهدی که دانشجوی سال اول برده به شش ماه زندان  
محکوم گردید \* وی همراه عده ای دیگر از دانشجویان  
دانشگاه صنعتی گروهی را تشکیل داده دست به خود-  
سازی سیاسی نظامی زدند \* خصوصیات ارزنده اخلاقی  
و قدرت تدبر و خصوصیات ارزنده مهدی همیشه زیانزد  
نسانی بوده که وی را میشناخته اند \* وی با سایر  
دوستانش بوسیله مداره شوکالوهای بزرگ بفتح خلق  
( قابل توجه آنکه کلیه اجناسی را که مداره میبردند  
در اختیار فقرا و جنوب شهرها قرار میدادند و باین  
ترتیب هم ایجاد سمپاتی بفتح جنبش میکرد و هم در  
صلیات نظامی کرجکی خود را ورزیده میگردانیده اند )  
تشبیه پاسپورت و پول با زدن کیف در مناقض خاص  
نظیر زعفرانیه ، سلطنت آباد الهیه \* \* \* \* \* ( یعنی  
با شناسائی کامل افرادی که مستقما در جهت ارتش  
بودند ) به خود سازی میپرداختند و در این جریان  
چندین بار توانسته بود از دست مامورین و افراد عادی  
با موتور سیکلت فرار کند و یکبار هنگامیکه کیف زن پلیس

شهبید ارتش را مصادره کرده بود توسط مامورین کلانتر  
قلهک دستگیر گردیده و به کمیته فرستاده شد ، در  
این زمان ساواک شدیداً روی مصادره پاسپورت و تصدیق  
حساس گردیده بود و چون فکر میکرد ردی بدست آورده  
مدت ۲۰ روز وی را تحت شد بدترین شکنجه ها قرار داد  
( ساعتها شلاق ، توهین ، ریختن ادرار و نجاست  
بدان ، آویختن از پایدرخت همراه تک \* \* \* \* \* )  
لیکن وی مردانه مقاومت کرد و گفت چون احتیاج به پول  
داشتم و پدرم فقیر است دست به دزدی میزدیم تا خرج  
تحصیلی خود را در آوریم و پس از ۲۰ روز تلاش جویند  
توانست ساواک را قانع کرده آزاد شود و پس از آزادی  
همراه برادرش و چند تن دیگر از دوستانش مخفی گردید  
و پس از مدتی با مجاهدین تماس برقرار کردند تا اینکه  
در تیرماه سال ۵۴ در اصفهان شهید گردید \*

محمد و مهدی این فرزندان راستین خلق از خانواده  
ای روستائی و شهید ست برخاسته بودند \* محمد با آنکه  
سال آخر دانشکده را میگذراند چون دیگر فعالیست  
طنی برایش میسر نبود مخفی شد \* مهدی با اینکه توانسته  
بود در کنکور اعزام دانشجو شاگرد اول گشته و در کنکور  
رشته شیمی دانشگاه صنعتی نیز رتبه اول را حازگردد  
با این حال پس از آزادی از زندان در سال ۵۱ برای  
همیشه خود را وقف جنبش نمود \* او مانند بعضی کسانی  
که پس از رسیدن بموقعیتی طبقات محروم اجتماع را فراموش  
کرده و فقط به منافع فردی خود فکر میکنند درگز  
معتروان اجتماع را در ایش نکرده و در راه پدر  
رسانیدت انقلاب خونین خلق هادمانه خود را وقف  
جنبش نمود و تنها رفت و آمد بدانشگاه را رسیدنای  
برای تفریح گرفتن در جریان جنبش و بر سر راهای مبارزاتی  
خود قرار میداد \*

یسادشسان گسرامنی یسساد  
یسادی از شسهدید موهسدی  
" بار دیگر رژیم خونخوار امپریالیستی  
" ایران دستهایش را بشون در تن  
" از فرزندان خلق آخته ساخت  
در استانه جشنهای پنجاه سال جنایت پهناری رژیم  
امپریالیستی ایران این زاندم منقلبه با اعمال فساد  
شیستی ترین رژیمهای دد خلقی نه تنها سهمی در  
مخاربه و دردن ممر کونه عدان آزاد یخترانی در داخل  
ایران ب نماید بلکه با فرستادن دنبا هزار سرباز  
و بدرت ترین رسامل نظامی که در واقع به پهنای  
استشار توده فقیر ایران تدارک دیده شده است ،  
به سرزمین ظفار سعی میکند وظیفه حلقه بگوشی خود  
را بصورت یک قلب امپریالیستی انجام دهد تا بدین  
وسیله سیاست جدید امپریالیسم امریکا را که پهنراز  
شکست منضخخانه اش در ویتنام در پیش گرفته انجام  
دهد \*

شسهدید محمد علی مرحدی قمی در اواخر سال  
۵۰ هنگامیکه ۱۶ سال بیشتر نداشت و محصل دبیرت  
بود بعلت فعالیتهایی در قم دستگیر و پس از چند ماه

زندانیان آزاد میگردد. يك ماه پس از آزادی بار دیگر دستگیر و به شش ماه زندان محکوم میگردد. با اینکه او در همان زمانها با سه تن دیگر از دوستانش رژیمی برای فعالیتهای سیاسی تشکیل داده بودند که بعد ها به ترمینات نظامی نیز تا حدرد امکاناست و محدودیت های خویش میبرد اختند. ساواک هرگز متوجه این مسائل نگردد. او پس از آزادی از زندان با تجربیاتی بیشتر به فعالیتهای اعلیتر پرداخت. چند ماهی از آزادی او نگذشته بود که ساواک برای پارسموم مقدم دستگیری ری را بنهادید که او مترجه گشته و بخشی دیگر در (اواخر ادا یا اوائل ۵۲) و بکند برادران برابر دیگر گروهی تشکیل داده بد نهالیت پرداختند.

این گروه که حدود یکسال پیش لو رفته بود و افرادش دستگیر گردیده بود (بعلمت ضعف های تجربی و عدم ارتباط با جنبش) لیکن رژیم پیشرفته این گروه را مسئول حمله به پاسبان خیابان هدایت قلداد کرده و دست آیزی برای اقدام دوبار دیگر فراهم میکند (در حالیکه دو تن دیگر از فرزندان خلق چندی قبل به همین اتهام تیر باران شدند که هیچ رابطه ای بین آنها و این گروه نبوده است) تا بدین وسیله ماموستک در زمین از چهره خود برداشته ماهیت واقعی خود را در جهان نشان دهد.

در نگاهات شدیدی که روزهای ۱۵ و ۱۷ خرداد در بدارسی فیضیه و دارالمنشأ و سپس خیابانهای قم رخ داد پذیربنا و دستگیری تمام و کشتن عدای نواست این تطاهرات را خاموش کند بر همین گفته شایع وایست به گروههای مبارز روحانی در قم حدود چهل و پنج نفر بد شهادت رسیدند و قریب سیصد و پنجاه نفر نیز پارداشت شد. اند که عدای از ایشان به سرپازخانه ها اعزام گردیدند. پاره ای هم برای اداسه مبارزه و ندادن فرصت به پلیس مخفی شد طاند.

توضیح - حرکت روحانیت مبارز عدنا در بین طلاب جوان و روحانوی دینه دیشرد که دارای وابستگی نبود و معمولاً از طبقات محروم جامعه میباشند. این تشر مبارز در تاریخ سیارزاتی خلق ما علیه امپریالیسم باحیثه نقستی مثبت را بحسبه داشته است. شایسته - کستر از دید سیاسی کافی که لازمه اتخاذ خط مشی - امرای است. بر خوردار پردانه است. از طرفی سازنا - نهای اصلی جنبش مسلحانه نیز در پنج سال اخیر کمتر توجهی به تربیت سیاسی این فشر نوده اند. عدنا - حرکات ایشان در مبارزات خود بخردی و سازمان نیا - فته چتر گردان است. واعتراعات روحانیت. معمولاً همراه با ثقافت زیاد و از هم پاشیدگی تشکیلات بعد از هر چرانی بوده است.

لوزمانی که ضرورت کار سیاسی و سازماندهی نیروهای مبارز جامعه بیشتر از هر زمانه چشم می خورد و حتی میتوان گفت سئاه اصلی مرحله فعلی مبارزه خلق را تشکیل میدهد. هرگونه تعال در بالا بردن کیفیت سیاسی گروهها و فشرهای مبارز و تشکل ساختن آنها

ضربات سنگینی را که در چند ماه اخیر ناظران بوده ایم، بد نهال خواهد داشت.

لذا جادارد طلاب مبارز در جریان حرکت مترقیانه خود بیشتر از پیش بیابا بردن کیفیت سیاسی خود توجه کرده تا تا در به ایفا نقش فعالتری در مبارزه ضد امپریالیستی جامعه باشند.

۲- روحانی مبارز صالحی نجف آبادی نویسنده - کتاب شهید جاوید که به همراه بیست و نه تن روحانوی دیگر حوزه طعیه به شهرستانها و بخشهای بد آب و هوا تبعید شدند. پس از اقامت چند ماهه در اسپر به طلت تماس نهاد مردم با ایشان به تئوسرکان منتقل میشوند و با پیش آمدن وضع مشابهی در آنجا شهرمانی تئوسرکان ایشان را با دو نامور به پانه میفرستند. در پانه رئیس شهرمانی میگرد. برای تبعیدیها جانی در نظر گرفته نشده است. در نتیجه ایشان را تحت الحفظ به قم می فرستند. رئیس سارات قم طی نامه ای با لحن تند میگوید رئیس شهرمانی پانه غلط کرده چنین حرشی زد و ایشان را به پانه میفرستند.

توضیح - رژیم سعی میکند پلیس را دستگاهی منظم و پیچیده و کابلا مشکل جلوه دهد. که از مرکزیتی قوی برخوردار است (نشر خیرهای مثل پلیس به کامیترتسر مجهز شده. لابراتوارهای پلیس میترانند از روی تاروی شخصی به هویتش پی ببرند. از روی اثر انگشت شخص يك دقیقه ای میتران او را شناخت و...) در حالیکه ساتلی نظیر خیر فوق نشان میدهد که در اثر عدم وجود مرکزیت قوی چگونه شخصی نسبتاً مهمی را به پانه تبعید میکنند. یکی مرکز پلیسی شهر اصلا در جریان نبوده است.

۳- شهرپور ماه روحانی مبارز سید علی خانسه ای از زندان آزاد گردید. اتهام ایشان تربیت جریک بود. توضیح - رژیم بجلت دید طبقاتیش همواره افراد را مسئول حرکات جامعه میداند (همانطور که افراد را سازنده تاریخ قلداد کرده و تاریخ را تنها شرح حال پادشاهان و نوابخ میداند نه حرکات و تغییر و تحولات اجتماعی. نظیر کتب تاریخ مدارس) و تصور میکند اگر مثلا انفرادی خاص را نابود کند که قادر به کنترل توده مردم است. (سر و صدائی که در مورد دستگیری شهید افرا - خته بعنوان رهبران خرابکاران پراه انداخت) در حالیکه این سیستم طبقاتی حاکم بر جامعه بوده که این افراد و نیز عابه را بطغیان و ادار میسازد.

۴- دختر شهید آیتا. ففاری که بدتی در زندان اسیر بوده در اواخر مهر ماه از زندان آزاد میشود. از سر آیتا. نقل قول شده است که در بازید از جسد پدر خود مشاهده نموده پیشانی ایشان سوراخ شده و قسمتی از پای ایشان اره گردیده است. در حالیکه هر دو پای وی را در روزن سیسز انده بودند.

توضیح - معمولاً پراز شهادت عدا جسد را بان صورت در بیارند و رفتی خانواد به برای تحویل جسد به آنها سراجده میکند. با سیاه بازی و فلهم در آوردن پا نزد پندان. بالاخره میگویند بشرطی که کسی نپذیرد.

و عدنا هدف ساواک از اینگونه برنامه ها ایجاد وحشت از شکنجه های وحشیانه است. در حالیکه در واقع شکنجه با شلاق بسیار وحشیانه تر از هر نوع شکنجه است و معور اصلی شکنجه های ساواک را تشکیل میدهد.

همه اواخر پائیز روحانوی انقلابی طالقانی و لاهوتی به همراه چند روحانی مبارز دیگر دستگیر گردیده اند که ساواک علت بازداشت آنها را تشکیل گروه متروان نموده است. جمله مستقیمی که در بیانیه سازمان مجاهدین در مورد لزوم تجیع مذ هبیین مبارز بد رو آیتا. و طالقانی و منتظری میتواند تاثیر زیادی در حساس نمودن ساواک داشته باشد. خصوصاً رفتی که این تعریف و تمجید در مورد شخصی که اجباراً دارای زندگی طنی بوده قابل کنترل است. عنوان شده و هیچ تاثیر جز حساس نمودن ساواک نخواهد داشت.

۵- در اسفند ماه اغلامیه ای با بیهی حوزه طعیه قم انتشار یانت که محور آن بر دفاع از دکتر علی شمر - یعنی قرار دارد.

بطوریکه اغلامیه خاطر نشان میسازد و خیرهای موثقی از دکتر نقل گردیده است که این مقالات نخست عنوان "انسان، اسلام و مکتبهای مغرب زمین" سلسله درسهایی بوده که برای عدای از دانشجویان مشهد چند سال قبل ایراد گردیده است. و چندی قبل عدای از دانشجویان دانشگاه اصفهان آنها را جمع آوری و برای انتشار آماده نمود فاند (بدون مد. اخله دکتری) که قبل از انتشار بدست ساواک میافسد و با اضافه نمودن جمله "با کسبیم ضد اسلام" و نیز تغییرات دیگری در متن اصلی. دست با انتشار آنها در کیهان میزند.

بطوریکه از متن مقالات نیز بر میآید. این گفتار بیشتر با طرز فکر و سخنرانیهای چند سال قبل وی هماهنگی دارند و گفته میشود که وی قبلاً نیز با انتشار آنها مخالفت کرده بود (از جانب دانشجویان) و چنین گفته که با عقاید فعلیم هماهنگی ندارند و باید تغییراتی در آنها بد هم.

البته هدف اصلی انتشار این مقالات را نباید از نظر دور داشت که همانا ایجاد نفاق و دو دستگی بین صفوف مبارزین میباشد. که در جوارش دکتر نیز لجنمال گردد.

در اغلامیه این روشنی و دید که عدنا را ایجاد نفاق قلداد میکند قابل توجه است لیکن چه بهتر میبود پس بحث فوق به لزوم اتحاد و همبستگی بیشتر نیروهای مبارز گشت و توجه گردد این طرحهای رژیم خود دلایلی بر ضرورت اتحاد

نکته دیگری که بهتر است در اینجا توجه شود پوششالی بودن تبلیغات رژیم است. در حالیکه چنین تحریف میباشد. ساختگی بودن نقل قولهای دال بر اظهار ندامت و پشیمانی از جانب شهید افراخته و شهید خاموشی فرزندان راستین خلق در برداد گامهای نالا می شاه خائن است. زیرا هنگامیکه در مرداد ماه ۵۲

هدیه کردیم جلسات بازجویی اسیر شدگان را با مرتاض (بازجویی خارجی و ترور واقعی) و هزاران کلک تبلیغاتی بخورد ملت دادند. اگر در بیدادگاه از جانب این شهیدان کوچکترین ضعفی نشان داده دیگرید، یا بیالغحه همراه با فیلم برداری های ویدئو بنمایش در میآوردند.

۱- دکتر کیسی (صاحب یک تعمیرگاه کوچک) در یک شهرستان تصدیف میکرد (در حالیکه رئیس اتحادیه خورد فحش میداد) - وی پنهاناً در مختلف از ما پول میگرفت و هر بار به بهانه جشن هائی که هیچ نفی در آن نداریم ما را تیغ میزدند. اگر برای گرفتن جواز کسب نبود چند نفر جمع میشدیم و او را چاقو میزدیم، این پولها صرف حقوق او و اجاره محل اتحادیه گردیده و بقیه اش را هم بالا میکشند. وی میگفت شکایت کردیم بما جواب داده اند که قرار است تمام ریوسای اتحادیه بها تخیر کنند و یک مهندس از مرکز برای رئیس اتحادیه تعیین گردد (که پدیهی است خورد صاحب هیچ تعمیرگاهی نبوده و تنها از طرف دولت مسئولیت دارد، در حالیکه رئیس فعلی جزو خرد پور - ژبازی بوده و خورد دارای منافع مستقیمی در این صنف تعمیرکاران میباشد)

توضیح - در پی سیاست متمرکز یافتن نیروهای رژیم که در تحلیل رستاخیز بیان اشاره گردید، اجرای آنها در تمام سازمانها و واحد های سیاسی، اقتصادی و پلیسی جامعه مشاهده نمود.

۲- دختر جوانی که برای اجاره ادواتی در محلهای فقیر نشین رفته بود، میگردد: همین که وارد خانه شدم صاحب خانه گفت شناسنامه داری یا خیر؟ گفتم بگذار اطلاق را ببینم گفت که آنها نیستند بدانم که صحبت کنیم، گفت برای اینکه یکی از نامهای ما که پنگاه مساعلاتی دارد گفته این روزها برای اجاره خانه که معمولاً یک دختر یا یک دختر یک پسر و یا یک پسر مراجعه میکنند و بعد از گرفتن اطلاق در آن بفساد میپردازند. اینست که باید روی مستاجر ها وقت کرد. توضیح - رژیم برای کنترل آن قسمت از امور که کمتر قابل کنترل مستقیم میباشد و مردم هم از کنترل آن نذمی ندارند سعی میکند بزوسی با استناد از انگیزه های مردم در هر مسئله آنها را به کنترل مطلقند گرداند.

مثلاً در سال ۵۳ برای کنترل شمال کشور مسئله بچه دزدی را در سطح وسیعی در آنجا پیش گردانید و روزنامه ها هر چند شب یکبار خیر از دزدیدن بچه ای در شمال میدادند که معمولاً دزدش هم پیدا نمی شد. و نیز یکمک فراموش شایعات عجیب و غریبی از این مسئله در سطح روستا های شمال پراکند بطوریکه وقتی غریبه ای به هر نقطه در شمال که وارد میشد اول بچشم بچه دزد بوی نگاه میکردند تا خلالت آن ثابت گردد و این خود باعث شده بود که ورود و خروج

به مناطق روستائی شمال در حد بسیار خوبی پدید درگیری مستقیم رژیم از طرف مردم کنترل شود و نمود - های مشکوک پژاندرمیری محل گزارش داده شود (شمال) بعلمت عدم تفرک جمعیت و پخش آن در واحدهای کوچک قابل کنترل مستقیم پلیسی نمیشد (با خبر فوق که نشان میدهد چگونه رژیم برای کنترل وضع منزل های اجاره ای مسئله فساد در مستاجران و یا تخلیه نکردن خانه از جانب آنها را مثلاً بمنوان راهنمایی مالکان و یا یک به یک مستاجران خیلی بیشتر از واقعیتش به مالکان را در دادن خانه به مستاجران بیشتر کند و هم آنها را به تحقیق درباره آنها وارد.

۳- بدنبال تظاهرات ۱۵ خرداد در قم دانشجویان تبریز نیز حمایت خود را از این جریان اعلام میدارند و دانشگاه تعطیل میگردد. در این تظاهرات بیشتر از همه برخورد مردم با جریان است که میگردد در خانه ها را برای مخفی کردن تظاهر کنندگان باز گذاشته بودند بعد از این جریان بدتها در خیابانهای تبریز گشتی میگشت یعنی از هر کالنتری دو مابین نفر بر پا چند آژان میگفتند.

۴- نوجوانان زیادی در حادثه سالروز ۱۵ خرداد از رودخانه پشت مدرسه فنییه سنگهای زیادی به طلاب پرتاب میکردند. عده ای معتقدند این سنگها را بچه ها برای طلبه ها پرتاب میکردند تا از آن برای حمله به امیرین ساواک استفاده کنند اما عده زیادی از شاهدین یعنی دستخندان آنها سنگها را بقصد طلاب پرتاب میکردند با این عنوان که همین ملان... ها بودند که سینیای تم را آتش زدند و این نشانگر خطر تفکر صده ای از مردم در مورد سینیای قم است مردمی که هر پنجشنبه و جمعه پول خرج میکردند می رشتند تهران سینما و حالا خوشحال از اینکه در قم سینما دارند و دعا بجان صاحب سینما و بدبین نسبت به آتای شریعت محمد اری و گلهایگانی که بجای یکنه فکر اصاصی در مورد تفریح بچه ها بصاحب سینما پیشنهاد صد هزار تومان برای خرید زمین سینما برای ساختن مسجد کرده بودند و با این شایعات قبل از ساختن سینما برده که مردم انفجار سینما را از جانب حوزه میدیدند و باقی قضایا.

"چسند گزارش از جاسوسه گردی"  
بدنبال خانه سازی بی اجازه مردم در خارج از محدوده بخصوص در ناحیه یافت آباد تهران (انتهای خیابان انین التک در انتهای خیابان قرین به یافت آباد میرسد و یک خیابان شرعی یانت آباد را به چاده ساره متصل میکند) رژیم وحشیانه بمقابله با این عمل پرداخته و بدلیل نشتن شدن مغز علی لک کارگر ۲۲ ساله بدست زاندها که گزارش آن در روزنامه کیهان درخ تیرماه هم نرشته شده بود، خبرهایی از کشته شدن یک خانواده بطور دسته جمعی را اهالی ذکر کرده اند

خانواده مزبور که بی اجازه یک چهار دیواری را بسلا برده و داخل آن نشسته بودند و به اخطار بی دردی زاندارنها برای تخلیه خانه توجه ننموده بودند پس از مقاومت زیادی که برای حفظ یک چهار دیواری که بعد از سالها بدست آورده بودند زاندارنها خانه را بر روی آن خانواده خراب میکنند که باعث مرگ همه جسی تمام اعضای آن خانواده گردیده بود.

این کشتار وحشیانه باعث خشم و کینه شدید مردم از رژیم جنایتکار و بوجود آمدن چند فقره انتقام گیری در این محله شده است که یکی از آنها هجوم مردم به زانداربری و آتش زدن چپ زانداربری و کشتن یک زاندارم در اوائل پائیز بود و دیگری کشته شدن یک پلیس در هفته های بعد از آن در منطقه بود است که از کم و کیف آن اطلاع بیشتری در دست نیست.

شعبان نو محله ای است که در انتهای نخلام آباد شمالی بعد از ۴۵ متری نارنگ قرار دارد (البته بعد از تاسیسات شرکت واحد که خیابان تا آنجا اسفالت است) یک پیاپی وسیع خاکی است که خانه های مسکونی زیادی در آن ساخته شده ابتدای محله با پاسگاه پلیس شریعت میسرود اینطور که میگردد در حدود هزار خانوار در این محل زندگی میکنند که هنگی کارگسر هستند. خانه های اول محله بصورت خرید و فروش زمین با خود خانه است و نسبتاً خیلی گران شده و کوجه های اول آن در حدود شتر هزار تومان خرید و فروش میسرود یعنی خانده ای که ۲۵ متر مساحت دارد بپنج ۲۵ هزار تومان خرید و فروش میگردد. در این زمین ۷۰ متری دو خانواده زندگی میکنند که بدلت محدود بودن زمین هر دو از یک ستراج استفاده میکنند. آب این محله از دو فشاری که یکی نزدیک شرکت واحد و دیگری باندازه هسزار متر بالاتر است تامین میسرود. سمت چپ این پیاپی شمیران نو و سمت راست آن محله دیگری است که زمینهای آن تعلق به ارفاق است و گاه گاهی مامورین به محله اوقاف سرکشی کرده اقدام به برانی خانه های که زن و مرد برای خودشان ساخته اند میکنند. مامورین پاسگاه برای هر ناشین آجر و وسائل ساختمانی که از آنجا میسرود چهارصد تومان رشوه میگیرند. در محله اوقاف مردم شبانه بساختن کردن اقدام میکنند که از نظر ظاهری و کیفیت به زور آباد کرج شباهت دارد مردم چراغها اینک شبانه خانه خود را خالی نگه دارند ندارند چون همیشه در معرض زور زدن مامورین دولت هستند. از نظر اجاره چون خارج از محدوده است خیلی مناسب است رلی اجاره اطلاق همیشه بصورت رهنی میباشد چون همه به پول نقد احتیاج دارند. اکثر کسانی که در هیچ جای تهران نمیتوانند اطلاق پیدا کنند چون هم گران است و هم با بچه اجاره نهدند به خانه های اوقافی پناه میبرند. در درگیریهای

قبیل اینطور که خود مردم میگفتند يك پاسبان کشته شده و شهر دار گفته من دیگر جرات ندیکم پسه شیران نو بروم \* درگیری دیگری منجر به کشته شدن سه تن از اهالی و دستگیری ۱۶ نفر گردیده بود مردم با وسائل ابتدائی مقاومت جالبی از خود نشان دادند و همه با سنگ و چوب در مقابل اسلحه های سنگین رژیم از خود دفاع میکردند وقتی از مردم می پرسید که اینجا را چرا خراب میکنند میگفتند برای اینکه گارد جلوهش است و نباید جلوی گارد خانه باشد \*

البته تاسیسات لریزان و گارد جاویدان در بالای این منطقه است در ضمن یخانه های بالای سلطنت آباد که متعلق به آمریکائیان است و محافظت شدیدی در آنها برقرار است مربوط میگردد \* یکی از اهالی میگفت \* آخه از جون ما چی میخواهی اگر میخواهی همه ما را بکشی اینکه کاری نداره ما ترس و ناناکه دیتونی اینکارو بکنی و از سر مردم راحت شوی \*

نکته مهمی که در اینجا دیده میشود اینستکه اینها بدون اینکه حتی کوچکترین اطلاعی از جنبش داشته باشند بعلمت تضاد ظاهر خود یعنی خراب شدن خانه هایشان ( که خود ناشی از تضاد عام حاکم بر جامعه یعنی تضاد طبقاتی است) به حرکات خود بخودی علیه رژیم \* با یک حالت جمعی رسیده اند زیرا میبینند که شکلی در یک موضع مشترکی با یکدیگر قرار گرفته اند و تنها بگش و پشتیبانی و همکاری یکدیگر قادر به دفاع از منافعشان میباشند \* که این خود نکته بسیار مهم و قابل تکیه ای در هر جریان است که اساس حرکت را انگیزه های مشترک و جمعی تشکیل دهد \*

حتی این جدائی از جنبش در حدی وجود دارد که ممکن است در برخورد با یک چریک از او تحویل رژیم نیز بدهند و این جای بسی تاسف است که در حالیکه در جامعه حرکات فاضلی با جهت های مسلحانه شروع گردیده است اما علاوه هیچ پیوندی بین این جریانها و جنبش مسلحانه وجود ندارد \*

چا دارد که قشر روشنگر که از امکانات علمی مناسبی برخوردار است چنین جریاناتی را دوفهمی برای پیوند دادن جنبش با مردم قرار داده با مراجعه به محل تجمیع گزارشها و انتشار آنها و نیز پیوند خوردن آنها با اینگونه جریانات مردمی بشناساند حرکات خرد بخودی جامعه به قشر روشنگر کنگ کرده و از طرف دیگر با دست گذاشتن روی انگیزه های اساسی آنها به تربیت سیاسی آنها پرداخته \* جنبش را به دلغات محرم اجتماع بشناسانند \*

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

**این گزارشی است** یعنی که در مهرماه در وحیدیه **اتفاق** افتاده است از نظر موقعیت و خنثی به حمله ای **ست** در شرق میدان نمیزد که فرق العاده پر جمعیت **پول** و مردم آن از تغار مالی مترسقا و پائین هستند **در این گزارش** درگیری آقا برات نشی محله و مستاجر

و از طرف دیگر "آزاد" ما صاحب سلاطه و سرمایه دار \* آقا برات در زمینی بمساحت سیصد متر در بخش کوچکی که متعلق به آزاد است مدت ۱۸ سال زندگی کرده است و در این زمین خود و خانواده اش با دست خود یک اطابق که فقط باندازه زندگی خانواده هفت نفری آنهاست ساخته است که مسلم از آب و برق خبری نیست \* آقا برات هجده سال پیش به این محل آمده و با اجازه آزاد به این خرابه میآید و زنش هم در تمام این مدت خدمتگزار خانواده آزاد بوده که در اوائل درازا اینکه آزاد این زمین را در اختیار آنها گذاشته از حقوق خبری نبوده البته در آن موقع اکثر محله خرابه و بیابان بوده است \*

بعد از مدتها زن آقا برات با همایانه سی تومان از آزاد دیگر نت است شریزند بزرگ آقا برات پسر ۱۶ ساله اوست که معارضه است همه بچه ها در این خرابه بدنیا آمده اند با این وجهه که در ده زن و شوهر زرد از دراج میکنند مسلم نباید سن زیادی اکنون داشته باشند ولی آقا برات پیر مردی شصت هفتاد ساله بنظر میرسد و زنش هم چهل تا چهل و پنج ساله \*

اوج خوش خدمتی و زحمت کثی زن آقا برات برای خانواده آزاد دو سال پیش است که آزاد فلج میشود و تا در به به حرکت نبوده و مدت یکسال این زن پرستار بی حیره و مواجب وی میگردد بطوریکه مجبور بوده کفایتهای آزاد را پاک کند و هر روز شلوارهای کثیف او را بشوید \*

پسر بزرگ وی که ۱۶ ساله است بعلمت فقر مادی گسار میکند و محرم دیات جامعه کثیف و شرفهنگ حاکم بر جامعه با نقطه ضعف کمبود هائی که از شرایط ناشی میشود در او پیدا شده با چند دست نامسد هر خورد دارد و همه پولهایش را خرج میکند \* دختر سیزده ساله آقا برات که در برخورد با دوستانش شانزده آزاد را خانه خود شرمساری میکند تا بر کبود های رانگی طبقاتش بدینرسیده سرویس بگذارد \* کوچکترین آنها ناهش آرزوی است که دوساله نیده است و شرمه آرزوهای پر یاد رفته آنهاست و تنها غذای او پستان بی شیر مادر است \*

آزاد زمین داری بزرگ است و دارای مستغلات متعدد که در محله به شرفندی مغرور و بیباکند بطوریکه مردم دربار پسرش که سر کچه طالب دارد میگفتند کارخانه اسکناس چاپ کتی دارد \* بعد از فوت آزاد شروت او تقسیم شده و زمین آقا برات به دستش که در آمریکاست میرسد \* در گرفتن این زمین از آقا برات فردی بنام ججی که شوهر خاله دکتر آزاد است و گویا پسرش هم ساواکی است دخالت مستقیم دارد \*

بهدی پسر دیوانه آزاد است که در این جریان چند بار برای آقا برات چاقو کشیده و از وی خواهسته تا از زمین آنها بلند شود چرن نمیتوانند آنها بفر و شند او هم از آنها در خواست ۵۰ متر زمین یا ۱۰ هزار تومان پول کرده است تا با آن اطلاعاتی را هم کرده با

پنج بچه قبرانش کنند او میگفت زمینهای شیران نورا هم میخواهم اجاره کنم ده هزار تومان پول میخواهد پس این مناکت که جایش جای با است \* پس اون که دم قانونی است که از مستاجر حمایت میکنند مگر طر خیر بیچاره ها قانون نداریم \* قانون مال پرلدارهاست \* هرکی پول داره و زیر داره همه چیز داره \*

در اولین درگیری در چهارم بعد از ظهر آقا برات با ضمت مهدی دو دندانشرا از دست میدهد و در این جریان همه به پستی پسر آزاد اقرار میکنند بالاخره بعد از یکسری دعواها چون موفق به راضی کردن آقا برات نمیشوند به قانون که بدافع طبیعت حاکمه است رجوع میکنند تا بدینوسیله یک فرد شجاع را خرد کنند ججی دیگری باید برات بیاید و دست و پام را ببوسد باید برای ما بپاک بیفتد تا ما راضی شویم ما عشا داغزن میکتیم حتی همین حالا بیترتم بکشمش هرکی هم دلشرحال او میسوزد بپرند پول بگذارند رو هم برایش خانه بگیرند یک پار هم به پسر برات تهنیت میزنند که آجر بلند کرده و پلیس اونو به کلانتری میره پسر که

تا حالا با خانواده خود صحبت نداشته کینه طبقاتی با اوچ دیگرید و فریاد میزند که من این نار را نکردم این را که هم کرده ام حق بوده چطور میترسم ببینم پسر را پسر را خونی کنند \* شبانه بالای سر مادر میآیند و من هیچی نگویم تا اینکه روز موعود فرا میرسد و ما هم مورین بدافع نظام حاکم برات را از خانه اش بیرون کرده اساسشرا در کچه میزنند و اینجاست که اوج خسرویت طبقاتی آقا برات ظهور میکند چوب بلند می را از زمین برداشته به ججی ساپاکی حمله میکند البته ما مورین مسلح به بیسیم و اسلحه و باتین چلری او را میگیرند \* آقا برات یک نشی است در سرزمینی که نفت شروت اوست و متعلق به اوست او به این وضع اسفناک زندگی میکند بعد از چند روز که سر کچه به بیج بگذرانند از طرف شهر داری میآیند و بد این عنوان که مردم بر فرد تو شکایت کرده اند و فانه صبر و مرور هستی باید از اینجا بلند شوی \* اینجاست که رژیم بعلمت ماهیت خود تضادشرا با خلق نشان میدهد و دامن میزند البته آنچه که جالبتر است وضع کوچکی است و ارتباط آقا برات با همسایه هاست او که بعلمت موضع قهر آلودش در مسئله دارای خصوصیات دربریزی و کدائی نشده در این مدت از بیج یک از خانه ما غذا نمیگیرد بغیر از خانه روبروشان که هسقیته آنهاست و او هم کارگر بوده و مستاجر آزاد و همین روزهاست که آزاد پسر او آنها هم بیاید لیکن بقیه کارنده اداره ای \* ما مهندسان و کاسب هستند \* از نقطه به بچه هایش بخاطر سردای سخت شب اجازه داده است در خانه دیگران بخوابند آقا برات بسیاری است که نزد کبخرها هر روز و ثانیه در مبارزه گذرانده است او درک کرده که باید مبارزه کند و اگر مبارزه نکند باید از بین برود همین است که برای زنده ماندن مبارزه میکند \* زن آقا برات مبارزتر از خود اوست و اوست که کفایتهای وابستگان

به رژیم را رد میکند و میگوید "یک عمر باید در خانه  
 سنان جان بکنم و کثافت‌های بابای شان را بشورم و این  
 شد آخرش". اصلا کسی نیست به اینها بگریه این پول  
 شتا را از کجا آورده اید" وی بطرف پاسپانها که خرد  
 از طبقات محروم اجتماع هستند میروید و میگریه پس  
 تانور حمایت از مستاجر کو؟ مگر شاه نکنه مستاجر  
 را نمیتوانی بلند کنی ( رژیم علا یا تفهاد بین گفتار  
 و عمل داهمیت کثیف خرد را نشان میدهد ) آنها  
 میگویند بخدا ما هم بیست و نهم ما هم اگر اینکار را نکنیم  
 بیچاره نارنجند و دادات و بدبختی از گفتارشان  
 پیدا است. با دشمنی دولت و اینکه چرا انانیه است را  
 سرکوبه گذاشته ای آقا برات مهور میشود دنبال  
 اطاق بروی و اینجاست که باز هم ، شمه لینه ازست  
 که به او کمک میکند یکی از دوستانش که در قسمت  
 ارتاقی شبیران شوخانه دارد زیر زمین خانه اش را بدون  
 گرفتن پول برای رهن به آقا برات چاره میدهد .  
 آقا برات میگوید " ازنها مثل اینها نامسلمون نیستند  
 اقلا یک مسلمان پیدا میشه که بما جا بده "

فروردین ۱۳۵۵

ببینی سلطانه معور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما